

## جلسه اول

آیه ی « ۹۷ من عمل صالحا من ذکر اونتی :» سوره ی نحل

۱- معلمی یک هنر است و معلمی یک فن است: معلمی فن است باید مهارت و دانش آن را کسب کرد معلمی یک هنر است : آمیخته به خلاقیت ها و انتخاب های بداهه ی معلمی است. معلمی هم هنر است و هم فن است.

۲- معلمی اثربخش، دانش و بینش و مهارت را نیاز دارد.

۳- در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: شایستگی های ابعاد وجودی انسان و شئون مختلف حیات طیبه در قالب شش ساحت تربیتی معرفی شده است، تربیت انسان تک بعدی و تک ساحتی منجر به پرورش (انسان طراز نظام اسلامی) نمی شود.

براین اساس لازم است مهارت آموزان علاوه به ساحت های شش گانه و عناصر پنجگانه و عرصه های چهارگانه آشنا شوند تا به تدریج بتوانند زمینه ورود به حیات طیبه را در نظام اسلامی فراهم آورند.

### منطق درس:

سند تحول تاکید آن بر ساحت های شش گانه است. در سند تحول ساحت های شش گانه اهمیت والایی دارد. ساحت های شش گانه عطف و مبانی تعلیم و تربیت دینی: در اینجا عطفی وجود دارد که می تواند این برعکس باشد: یعنی تربیت دینی و ساحت های شش گانه

چون تربیت دینی مبتنی بر یک سری مبانی (کلان نظریه ها) است که ساحت های شش گانه بعضی از آن نظریه هاست.

### تربیت دینی (مفهوم و قلمرو)

#### تعاریف دین و تربیت:

دین: در تعریف دین بین علما اختلاف نظر وجود دارد (دو نوع تعریف وجود دارد)

۱- تعریف (ماهوی) ماهیت دین: ماهیت محتوا (دین امری قدسی است، دین مجموعه گزاره هایی که نازل

شده، دین توسط خداوند وحی شده است) امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

۲- تعریف کارکردی: تعریف دین به آثار روانی، اجتماعی، اخلاقی و ..

تعاریف کارکردی به ماهیت دین کار ندارد بلکه کارکرد دین را بررسی می کند. این تعاریف رغبت بیشتری ایجاد کرده است. ناشی از جنبش پراگماتیسمی در آمریکا بوده.

مثلا از آثار روانی دین: دین آن پدیده ایی است که در وضعیت کرونایی که بشر مدرن سرش به سنگ خورده

ایجاد آرامش کرده (تعریف کارکردی از دین با عینک روانشناختی)

تعریف ماهوی، دین چیست، دین شامل چیست؟



**تعریف دین:** دین با تاکید براسلام عبارتست از مجموعه گزاره های وحیانی (آنچه خداوند برای هدایت انسان به مسیر کمال نازل کرده)

**هدف این هدایت:** مسیر کمال، شیوه انتقال نزولی و وحی است.

**تربیت:** دست کم دو تعریف از تربیت وجود دارد:

۱- به مثابه فرایند تعامل مربی و متربی (عمل)،

**الف)** تعاریف تحلیلی، توصیفی، هست محور

**ب)** تعاریف ارزشی، هنجاری و باید محور

۲- مجموعه گزاره های منتظم در مورد این فرایند (علم و دانش تربیت)

مدنظر ما اولی است: تربیت به مثابه کنش میان فردی است بین انسان و انسان دیگر است دوجور تعریف شده که در بالا دسته بندی شده است.

**تربیت آنگونه که هست:** تحلیلی، توصیفی، هست محور (الف)

**تربیت آنگونه که باید:** تعاریف ارزشی، هنجاری و باید محور (ب)

**الف)** تربیت عبارتست از فرآیند کمک کردن به یکدیگر برای خروج از قوه به فعل (هست محور)

**ب)** تربیت عبارتست از فرآیندی که مربی تلاش می کند متربی را به کمال انسانی و اخلاقی برساند: کمال انسانی و اخلاقی، یک نظام ارزشی است. در این تعریف جهان بینی شخص دخیل است.

**تربیت دینی:** نسبت سنجی دو مفهوم (دین و تربیت)

به این دو مفهوم، مفهوم سومی (حکومت) را اضافه می کنیم چرا که حکومت در فرایندهای آموزشی و تربیتی دخیل بوده است.

نسبت سنجی سه عناصر اثر بخش در تربیت دینی (حکومت، تربیت، دین)

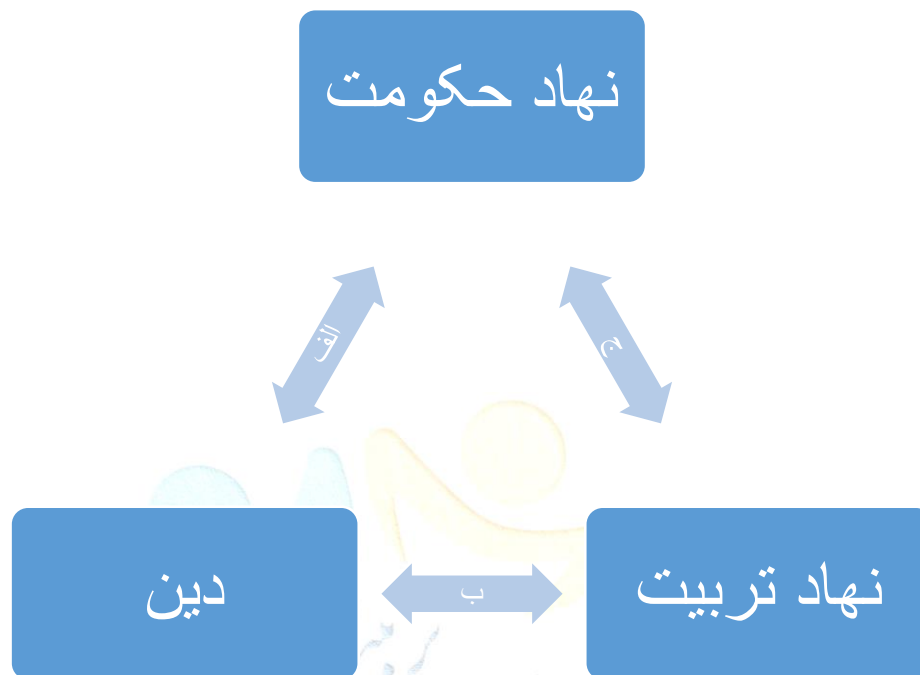
تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان

مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

## منبع جزوات ماده ۲۸

## کانال

## @tadriss99



### الف) نسبت سنجی بین حکومت و دین (دیدگاهها)

- ۱- حکومت باید دینی باشد و در پیوند با یکدیگر باشند: جمهوری اسلامی این دیدگاه را قبول دارد (دینی)
- ۲- دین و تربیت بی تفاوت با هم هستند و نسبتی با هم ندارند (دین گریز، سکولار)
- ۳- بین حکومت و دین تباین قائل است (دین ستیزی، لیبرال)

### ب) نسبت سنجی بین تربیت و دین (دیدگاهها)

- ۱- دین ربطی به تربیت ندارد و دین نباید در تربیت و برنامه درسی نظر دهد (سکولار)
- ۲- دیدگاهی که بین دین و تربیت، پیوند قائل است (دینی)
- ۳- بین دین و تربیت ارتباطی قائل نیست (لیبرال)

### ج) نسبت سنجی بین حکومت و تربیت (دیدگاهها)

- ۱- تربیت باید مخدوم باشد حکومت خادم آموزش و پرورش باشد (تربیت مخدوم)
- ۲- حکومت باید مخدوم باشد آموزش و پرورش منافع حکومت ها را تامین کند (حکومت مخدوم)
- ۳- بین حکومت و تربیت استقلال است ولی تعامل وجود دارد (تربیت و حکومت مستقل)

### معانی تربیت دینی : مفهوم و قلمرو

تربیت دینی دو معنا دارد:

- ۱- معنای مقسمی ( تربیتی که از دین گرفته شده " دین : ادیان و حیانی، اسلام، مسیحی، یهودی)

## ۲- معنای قسمی (بر بعد دین دانی و دینداری تاکید دارد)

معانی مقسمی (: تربیت اسلامی، تربیت مسیحی، تربیت یهودی)

معانی قسمی : معنای جزئی

در معانی مقسمی تربیت دینی یا مساوی تربیت اسلامی یا مسیحی یا یهودی است اینها ادیان و حیانی است. تربیت به معنای قسمی: بر بعد التزام دین و دینداری تاکید دارد چرا که علوم تجربی و علوم رفتاری تلاششان این است که بخواهند بدانند پدیده ی اجتماعی به معنای التزام یک دین ، عقیده مندی یعنی چه و این را تفسیر کنند البته در چارچوب تفکر مدرن این عقیده نمی گنجد و تفکر مدرن این شعار داده می شود که دین و عقیده پست تر از خود انسان است. و انسان برتر از عقایدشان هستند و این شعار است و هیچ کس قبول ندارد.

معنای قسمی تربیت دینی ( تربیت برای دین دانی و دینداری)

ما هم با تربیت مقسمی و هم معنای قسمی کار داریم. اولی به معنای تربیت اسلامی و دومی بحث را تخصصی تر می کند و باور مندی و التزام به حجاب ، التزام به عدالت ورزی ، التزام به کنش اجتماعی توحیدی را چگونه در مرتبه تقویت کنیم. ولی در سند تحول با تربیت به معنای مقسمی کار داریم و روی جلد سند تحول نوشته سند تحول آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، یعنی جمهوری اسلامی ایران ، یعنی جمهوری اسلامی مبنای نظری و تئوریش می باشد. یعنی همان تربیت اسلامی

اقسام تربیت دینی : با نگاه گونه شناسی اگر به تربیت دینی نگاه کنیم میتوان به چند زاویه تقسیم کرد

### الف) تربیت دینی بر اساس میزان حضور دین در تربیت رسمی

۱-حضور کافی : تربیت رسمی دینی مورد قبول سند تحول دین باید در تربیت حضور کافی را داشته باش د.

۲-حضور حداقلی :حضور دین را بر می تابد ولی میزان آن را حداقلی می داند که وارد آموزش و پرورش

نشود.

مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

۳- عدم حضور (تربیت سکولار) میزان حضور دین در تربیت رسمی صفرحتی زیر صفر است . تربیت

دینی را قبول دارد ولی تربیت دینی بیرون از مدرسه مثل کلیسا حضور داشته باشد.

### ب)بر اساس میزان نقش آفرینی حکومتها در تربیت دینی

۱- تربیت دینی حکومتی : تربیت دینی را حکومت سهم؛ حق و تکلیف خودش می داند .حق و تکلیف متظایف

هستند تربیت دینی حق و تکلیف حکومت است .و نوع مداخله بخش دیگر است.

۲- تربیت دینی غیر حکومتی (تربیت سکولار) متناقض نما : بر اساس برخی دیدگاهها میزان اثر بخشی

نقش آفرینی حکومت ها در تربیت باید اندک و محدود باشد و حکومت ها در تربیت دینی ورود نکنند و

تربیت دینی رابه سازمان های مردم نهاد حوزه علمیه بسپارند.  
(ج) تقسیم تربیت دینی براساس تلقی از دینداری (تفسیر از دینداری)  
• تربیت دینی ایمانگرا: اگر کسی دینداری وایمان را با نگاهی ایمانگرا نه معنا کند، مثلا ایمان یعنی جهش در تاریکی چشمت را ببند و عقلت را تعطیل کن و شیرجه بزن در تاریکی به اسم مسیح؛  
تربیت دینی دلی - عشقی و یا ارتباط دلی با امام حسین(ع) بدون پشتوانه عقلی  
• تربیت دینی عملگرا: اگر کسی دینداری و ایمان را بانگاهی عملگرا نه معنا کند. مثلا ایمان آن است که همه چیز برتر از عقل من محک زده می شود یا هر جامعه معیارهای دین در چارچوب عقل گنجانده شود. قبول کنیم واگر سنجیده نشود به آن عمل نکن (.همش دو دوتا چهارتا است)  
• تربیت دینی ایمانگرای عقلگرا :ایمان آن است که مبتنی با عقلانیت باشد (مد نظر سند تحول است)  
(د) تربیت دینی براساس شمول ساحت های تربیت(عرصه تربیت)  
• تربیت دینی جامع : سند تحول این را قبول دارد و شامل همه ی عرصه های تربیت را شامل می شود.

• تربیت دینی حداقلی: تربیت مناسکی که آموزش چگونه روزه گرفتن، نماز خواندن، وضوگرفتن، و تربیت دینی به تربیت سیاسی - اجتماعی کاری ندارد مثل قبول کردن توحید اجتماعی به دانش آموزان را آموزش نمی دهد. یعنی یک تا دوساحت از تربیت دینی را در نظر گرفته است.

## جلسه دوم

### بخش اول

#### متربی در آینه سند تحول بنیادین آ و پ

دراین جلسه تصویر متربی را در آینه سند تحول بنیادین آ،پ ترسیم خواهیم کرد. ما برای اینکه تصویر درستی از موضوع ساحت های شش گانه در سند تحول بنیادین آ،پ بدست آوریم ابتدا باید متربی و انسان و دانش آموز را دراین سند بررسی کنیم.

مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

#### تلاش های صورت گرفته شده برای نگارش سند تحول بنیادین:

۱- برای اولین بار بعد از انقلاب ۵۷در مورد ضرورت نگاشتن فلسفه تربیت برای جمهوری اسلامی ایران متخصصان گرد هم آمدند.

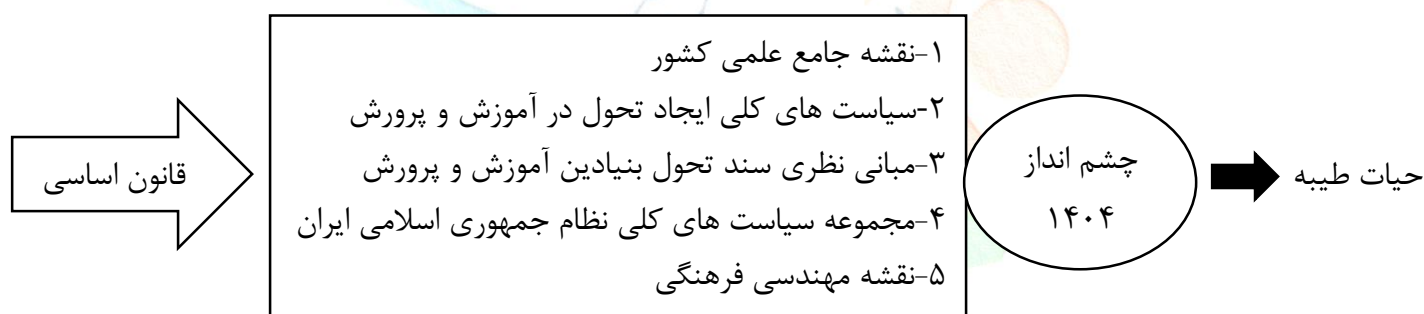
۲- سرانجام تدوین نهایی نقشه راه سند تحول بنیادین در سال ۳۸۲ صورت گرفت.

۳- تصویب نهایی سند تحول بنیادین توسط شورای انقلاب فرهنگی در آذرماه سال ۳۹۰ انجام گرفت.

علت و ضرورت های تدوین سند تحول بنیادین را می توان در موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- مغایرت و ناسازگاری نسبی با مبانی اسلام و تعالیم تربیتی اسلام
- ۲- بی توجهی به مقتضیات فرهنگی و ملی جامعه اسلامی ایران
- ۳- عدم توجه به مقتضیات و ویژگیهای نظام آموزش و پرورش و محدودیت ها وامکانات واقعی و مسائل و مشکلات آن.
- ۴- عدم تعامل با سایر بخشهای فرهنگی و اجتماعی
- ۵- فقدان جامع نگری و دچار شدن به یکسونگری اصلاحات جزئی و بخشی و حتی تغییرات صوری در فرایند سیاستگذاری و برنامه ریزی و اجرا.
- ۶- فقدان ارتباط معنادار و انسجام و همسویی میان کوشش های انجام یافته و در نتیجه وجود ناسازگاری و ناهماهنگی آشکار بین سیاستها و برنامه های اصلاحی . ۷- ضرورت نگاه استراتژیک، آینده نگر با رویکرد تمدن سازی

### ارتباط اسناد بالا دستی مرتبط با تعلیم و تربیت در تحقق چشم انداز ۱۴۰۴



تهیه شده توسط جمعی از معلمان آموزگار  
مرئی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

## مبانی نظری سند تحول بنیادین

• سند تحول بنیادین شامل شش عنصر میباشد:

### • ارتباط اجزاء سند ملی آموزش و پرورش و سیاست های کلی ایجاد تحول •



مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

## سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش

مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و ابلاغی رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۲ مصادف با هفته معلم - ۱۳ بند اصلی و ۲۸ بند فرعی)

### سند ملی آموزش و پرورش

مصوب شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی و مورد تأیید، تأکید و حمایت رهبر معظم انقلاب اسلامی (آذر ۱۳۹۰)

#### سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۱) کلیات (۱۲ مفهوم)
- ۲) بیانیه ارزش‌ها (۳۰ بند)
- ۳) بیانیه مأموریت
- ۴) چشمانداز (نظام تعلیم و تربیت رسمی | مدرسه)
- ۵) هدف‌های کلان (۸ هدف)
- ۶) راهبردهای کلان (۱۵ راهبرد)
- ۷) هدف‌های عملیاتی و راهکارها (۲۲ هدف عملیاتی، ۱۲۶ راهکار)
- ۸) چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین (۳ بخش)

#### مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی

- **فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران**  
چیستی، چرایی و چگونگی تربیت (حیات طیبه - جامعه صالح - درک و بهبود موقعیت - هویت - کسب شایستگی‌های لازم) لگو و اهداف ساحت‌های تربیت: اعتقادی، عبادی و اخلاقی | اجتماعی و سیاسی | زیستی و بدنی | زیبایی شناختی و هنری | اقتصادی و حرفه‌ای | علمی و فناوری
- **فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران**  
سبکی نسبی تربیت رسمی و عمومی  
چیستی، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی
- **رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران**  
مشخصات کلی نظام تربیت رسمی و عمومی - لگوی نظری زیر نظام‌های اصلی  
چرخش‌های تحول آفرین

بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سند تحول بنیادین، آموزش و پرورش موظف بوده طرف حداکثر یکسال برنامه زیر نظام‌های اصلی و برنامه‌های اجرایی سند را به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برساند!

#### خزیر نظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی

#### خزیر نظام راهبری تربیتی و مدیریتی

#### خزیر نظام تأمین و تخصیص منابع مالی

#### خزیر نظام پژوهش و ارزشیابی

#### خزیر نظام برنامه درسی (برنامه درسی ملی) (۱۵ بخش - اسفند ۱۳۹۱)

لگوی هدف‌گذاری:  
عناصر یا شایستگی‌های پایه (تعلّم، ایمن، علم، عمل و اخلاق) | مرصعها (رابطه با خود، خدا، خلق و خلقت)  
حوزه‌های تربیت و یادگیری:  
حکمت و معارف اسلامی | قرآن و عربی | زبان و ادبیات فارسی | فرهنگ و هنر | سلامت و تربیت بدنی | کار و فناوری | علوم انسانی و منقذات اجتماعی | ریاضیات | علوم تجربی | زبان‌های خارجی | ادب و مهارت‌های زندگی و بینش خانواده

#### خزیر نظام فضا، تجهیزات و فناوری (۲ فصل - خرداد ۱۳۹۵)

وظایف، اصول، ناظر، رویکرد و جهت‌گیری کلان، عوامل مؤثر، مؤلفه‌های اصلی و مدل مفهومی  
چشمانداز، اهداف، سیاست‌های اجرایی، استانداردها، برنامه‌ها و استراتژی‌ها

درفلسفه تربیت جمهوری اسلامی به عنوان یکی از مبانی نظری سند تحول به موارد ذیل بررسی و پرداخته شده است:

- **چیستی و چرایی و چگونگی تربیت (حیات طیبه، جامعه صالح، درک و بهبود موقعیت، هویت، کسب شایستگی های لازم،) لگو و اهداف ساحت های تربیت: اعتقادی، عبادی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و بدنی، زیبایی شناختی و هنری، اقتصادی و حرفه ای، علمی و فناوری**
- **فلسفه تربیت رسمی و عمومی شامل موارد ذیل میباشد:**

۱- مبانی اساسی تربیت رسمی و عمومی

۲- چیستی و چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی

زیر نظام برنامه درس ملی شامل موارد ذیل میباشد:



### • الگوی هدف گذاری

• عناصر یا شایستگی های پایه (تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق) عرصه ها (رابطه با خود، خدا، خلق، خلقت)

• حوزه های تربیت و یادگیری:

حکمت و معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و هنر، سلامت و تربیت بدنی، کار و فناوری، علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ریاضیات، علوم تجربی، زبانهای خارجه، آداب و مهارتهای زندگی و اجتماعی.

• زیر نظام فضا، تجهیزات و فناوری:

وظایف، اصول ناظر، رویکرد و جهت گیری کلان، عوامل موثر، مولفه های اصلی و مدل مفهومی چشم انداز، اهداف، سیاست های اجرایی، استانداردها، برنامه ها و الزامات

### بخش دوم

#### انسان شناختی تربیتی در سند تحول

چون موضوع تربیت انسان هست هر نظام تربیتی تجهیزات و دستورات تربیتی دارد از برنامه درسی گرفته تا تکنولوژی آموزشی و سیاست گذاری تربیتی همه زیر نظر ضوابط و نظریات تربیتی هر نظام تربیتی صورت می گیرد.

• ضرورت شناخت انسان در تربیت

تربیت ضرورتا مبتی بر انسان شناختی می باشد. هر تلقی که ما از انسان داشته باشیم در تربیت اثر گذار می باشد. اگر انسان اقتصادی در نظر بگیریم تربیت متفاوت خواهد بود و اگر انسان مثلا خلیفه الله در نظر بگیریم باز هم تربیت متفاوت خواهد بود. بنابراین در هر بحث تربیتی اول باید نگاه انسان شناختی مورد لحاظ می گیرد. • ضرورت شناخت انسان در تربیت، یعنی عمل و رفتار انسان مبتنی بر شناخت و تشویق عزم و اراده و سپس اقدام به عمل شکل می گیرد.

از نظر سند تحول عمل رفتاری انسان مبتنی بر ۶ ساحت و لایه می باشد:

ساحت اعتقادی، اجتماعی، زیستی، هنری، اقتصادی و علمی مدیریت آقای امسانی

از طرف دیگر افعال انسان از حیث متعلق ارتباط به ۴ گونه تقسیم می شود:

۱- ارتباط با خود ۲- ارتباط با خدا ۳- ارتباط با دیگر انسانها ۴- ارتباط با طبیعت

عمل ارادی انسان مبتنی بر ۴ مورد هست:

شناخت و بینش ← شوق و میل ← اراده ← در نهایت انجام فعل

در تربیت ما می خواهیم اصلاح رفتار انجام بدهیم یعنی ما باید در اصلاح تربیت دانش آموز به این ۴ لایه توجه داشته باشیم.

به عنوان مثال اگر دانش آموزی شوق و میل درس خواندن دارد ما به عنوان یک مربی شناخت و بینش لازم را برای در جهت پیمودن این مسیر برای او فراهم کنیم.

### بخش سوم

براساس برنامه درس ملی لایه درونی انسان تعقل است. فعل های اخلاقی انسان مبتنی بر لایه درونی ایمان هست و ایمان مبتنی بر لایه درونی عقل و تعقل هست و همچنین عمل انسان. از این جهت برنامه درس ملی هدف گذاری میکند که معلم به عنوان کنشگر و الگو علم و اخلاق و عملش مبتنی بر ایمان باشد و ایمان مبتنی بر تعقل و عقلانیت باشد. بنابراین هدف از انسان شناسی تربیتی در سند تحول این هست که انسان کنشگری اش در ۶ ساحت در سند تحول انجام می گیرد. یعنی معلمان در این ۶ ساحت تربیتی ایفای نقش انجام می دهند. با این تذکر که ترابط و تاثر و یکپارچگی ساحت های وجودی انسان و لزوم نگاه یکپارچه، جامع و متوازن بین آنها.

- پرهیز مریبان از از دوگانگی های کاذب مانند عقل و دل، خود و جامعه

- نفی تربیت های نامتوازن، کتریکاتوری، انسان حرفه ای

### بخش چهارم

#### ارتباطات انسان/متربی

ارتباطات انسان از ۴ زاویه قابل بررسی هست:

**ارتباط با خود:** انسانی که بخواهد علم ورزی یا کنشگری انجام بدهد این کنشگری در ارتباط با خود به خود می اندیشد و به خود کاوی و درونگری خویش میپردازد، که در مضامین دینی نیز به آن اشاره شد معرفه النفس انفع المعارف. معرفت نفس مقدمه معرفت الله هست. بسیاری از ناهنجاری های روانی را می توان با خود کاوی درمان کرد البته زمانی این خود کاوی مثر ثمر خواهد بود که نتیجه اش ارتباط و اتصال فرد با خدا باشد.

**ارتباط با خدا:** اخلاق ورزی می تواند در ارتباط با خدا باشد یا نباشد، وقتی یک سبد غذایی را برای یک فرد نیازمند فراهم میکنیم می تواند فعل ما کنش خدایی داشته باشد یا نداشته باشد. همچنین علم پژوهی و کنش های دیگر.

**ارتباط با خلق:** برخی از کنش های انسان در ارتباط با انسان یا انسانهای دیگر هست. این ارتباط میتواند یک فرد باشد یا یک جامعه. تدریس، تربیت و آموزش اساسا از همین نوع ارتباط هست.

**ارتباط با طبیعت:** ارتباط با طبیعت می تواند ارتباط خداگونه باشد یا نباشد. به عنوان مثال رفتار ما با محیط زیست و جنگلها می تواند رفتاری خدایی باشد یا نباشد.

بنابراین ۴ نوع ارتباط جدا از هم نیستند و می توانند منطبق بر هم باشند و هدف این هست که متربی را در آینه سند تحول ترسیم نماییم و نوع انسانشناسی و جهانبینی معلم بازسازی و تقویت شود.

### بخش پنجم

#### سیمای کامل انسان/متربی در هدف گذاری برنامه درسی و تربیتی

سند برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران یک سند بالا دستی میباشد که برنامه درسی را به تصویب رسانده است، که نومعلمان و معلمان باید این برنامه درسی ملی را بدانند بشناسند و به کار بگیرند.

#### سیمای کامل انسان/متربی در هدف گذاری برنامه درسی و تربیتی

#### الگوی هدف گذاری:

درهدف گذاری برنامه درسی و تربیتی شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون مختلف حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی، و توجه متوازن به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت مبنی قرار گرفته است که در قالب چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه ای در تدوین اهداف سطوح مختلف راهنمای عمل برنامه ریزان و مجریان خواهد بود. همانطور که قبلا اشاره شده عمل انسان لایه مند هست یعنی مبتنی بر عقل، ایمان، اخلاق و معرفت هست. سند برنامه درسی بر این باور هست که این شایستگی های پایه باید در متربی بصورت یک مدل و سازه شکل بگیرد که در دایره مرکزی عقل و عقلانیت، عقل ورزی قرار دارد که باعث میشود عمل انسان در سه عرصه علم و اخلاق، عمل فردی و اجتماعی سامان پیدا می کند.

از طرفی دیگر عمل انسان در ارتباط با ساحت های شش گانه می تواند در حوزه زیبایی شناختی، حوزه اجتماعی یا حوزه اقتصادی، علمی و فناورانه باشد. یا همینطور اخلاق می تواند در تناظر با این ۶ ساحت باشد مثلا اخلاق فناوری، اخلاق زیستی، اخلاق اجتماعی و سیاسی.

#### تفاوت تربیت غربی و تربیت مبتنی بر سند تحول:

از منظر تربیت اسلامی سه نوع عالم داریم ۱- عالم دنیا ۲-عالم برزخ ۳-عالم توحید که مخصوص خداوند هست. در عالم دنیا انسان می تواند ارتباط با خود، خلقت، خلق و خدا می تواند داشته باشد که در محور این عالم اراده و کنشگری انسان باعث سامان دادن این دنیا و آخرتش باشد.

در تعلیم و تربیت مبتنی بر سند تحول مفاهیمی چون شیطان، فرشته، روح انسان وجود دارد اما در تربیت غربی این مفاهیم جایگاهی ندارند.

لازمه شناخت جهان بینی تربیتی غربی و سند تحول این هست که مربی و متربی در فرایند تربیت اثر گذار باشند و به درک و تفاوت دو نگاه در جریان فرایند تربیت قرار بگیرند.

### بخش ششم

#### شایستگی های پایه در تربیت

در برنامه درس ملی شایستگی پایه ترسیم شده است که هدف کلی هر نوع برنامه درسی و هر نوع برنامه تربیتی هست و معلمان، مربیان و مجریان به سمت آن باید حرکت کنند. یکی از این شایستگی ها اخلاق میباشد. اخلاقیات سهم بزرگی در زندگی انسان دارند. مطالعات اخلاقی در سه چهار دهه اخیر در غرب و سپس در ایران به دلیل نیاز انسان مدرن و متمدن به زندگی شهری رو به تزاید بوده هست. بعد از تحولی که که کانت در اندیشه غرب ایجاد کرد متفکران غربی تلاش نمودند جای خالی دین را با اخلاق پر کنند. اخلاق به خصوص در زندگی اجتماعی خیلی مهم و نقش آفرین هست. شایستگی های پایه ای اخلاق یعنی ما تلاش کنیم اخلاق متربی (دانش آموز) را در هفت مورد از شایستگی های اخلاقی تقویت و باعث بروز رفتار در متربی گردد.

**شایستگی اول:** رعایت تقوا الهی در تمام شئون زندگی اجتماعی و فردی: تقوا خودش نوعی اخلاق هست. وقتی متربی حدود الهی را رعایت می نماید در واقع فعل اخلاقی مرتکب می شود و سپاسگذاری می کند از خداوندی که جهان را با این نظم آفریده است.

**شایستگی دوم:** متعهد به ارزش های اخلاقی از جمله: صدق، صبر، احسان، تکریم والدین، صلح و رحم و غیره

**شایستگی سوم:** ارزش قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر

**شایستگی چهارم:** ارزشمند دانستن عالم، علم آموزی، و یادگیری مادام العمر: در اخلاق اسلامی علم فضیلت هست که ما باید آنرا در دانش آموز نهادینه کنیم.

**شایستگی پنجم:** تقدم بخشیدن منافع ملی بر گروهی و منافع جمعی بر فردی

**شایستگی ششم:** ارزش قائل شدن برای مخلوقات، هستی و محیط زیست

**شایستگی هفتم:** الزام به اصول و ارزش های اخلاقی و استفاده از علوم و فناوری های نوین

### جلسه سوم

تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

### شایستگی های پایه تربیت

#### مقدمه

معنای شایستگی در لغتنامه معین: درخور، سزاوار، کفایت کننده، قابل پذیرش توانا و دارنده آمادگی کافی برای وارد شدن به حرفه ای خاص که با داشتن گواهی در آن حرفه ارتباط مستقیمی دارد.

شایستگی چیزی شبیه کلمه صلاحیت است.

واژه **competency** در فرهنگنامه آکسفورد به معنای توانایی انجام کاری به شکل ماهرانه و نتیجه بخش معنا شده است.

پس شایستگی یعنی پیش دانسته ها و پیش داشته هایی که از سنخ توانش و توانایی که پتانسیل را در شما ایجاد می کند که بتوانید ماهرانه و نتیجه بخش کاری را انجام بدهید. رویکرد شایستگی در مدیریت منابع انسانی رویکرد جدیدی نیست. عهدنامه امام علی (علیه السلام) خطاب به مالک اشتر (نامه ۵۳ نهج البلاغه) مملو از شایستگی های مورد انتظار از رده های گوناگون مسئولان در حکومت اسلامی است (برای مثال *وَأَمَّا بَعْدَ هَذَا فَلَا تَطُولَنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رِعِيَّتِكَ، فَإِنَّ احْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَةِ شِعْبَةٌ مِنَ الضِّيْقِ وَقَلَّةُ عِلْمٍ بِالْأُمُورِ*) رومی های قدیم شکلی از شایستگی را در تلاشی برای ارائه ویژگی های یک (سرباز خوب رومی) به کار برده اند. خواجه نظام الملک در کتاب (سیاست نامه) شایستگی های مطلوب برای بسیاری از پست ها و مقامات حکومتی را فهرست کرده است. بنابراین رویکرد شایستگی محوری در مدیریت منابع انسانی بشکل عام و در آموزش پرورش بشکل خاص رویکرد جدیدی البته نیست. البته شکل سامان یافتن و آکادمیکش در اصطلاح جدید در دهه ۶۰ تا ۷۰ میلادی بوده است.

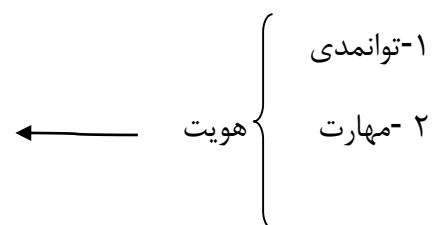
در ادبیات کشورهای غربی این اصطلاح در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوائل دهه ۱۹۷۰ رونق چشمگیری یافت و به یکی از پرکاربردترین مفاهیم مورد استفاده موسسات و نهادهای آموزش و اعتبار سنجی تبدیل شد.

**چگونگی وصول انسان به جایگاه شایسته خود در هستی:** هر انسان برای درک مناسب موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن بر اساس نظام معیار اسلامی، باید شایستگی های فردی و جمعی لازم را (نظیر تعقل، معرفت، ایمان، تقوا، انگیزه، توانایی، و مهارت جهت انجام عمل صالح فردی و جمعی) کسب کند. مبانی نظری ص ۱۱۶

تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای آشنایی

پس در واقع انسان مالک انسانی که میخواهد در مسیر شدن و صیروت و تغییر رفتار قرار بگیرد این باید در کوله بارش و یکسری شایستگی هایی را به همراه داشته باشد تا بتواند برای وصول به اهداف ارتقاء تربیت و انسانی در حرم هستی پیش رود.

#### معیار جامعه اسلامی :



### ۳- صفات

← درک موقعیت خود و دیگران

← عمل فردی و جمعی و بهبود موقعیت

### حیات طیبه

#### هدف کلی تربیت عمومی (اعم از رسمی و غیر رسمی)

تکوین و تعالی هویت مشترک ( انسانی ، اسلامی و ایرانی) متریبان همراه با توجه به وجوه اختصاصی هویت فردی و غیر مشترک ( بخصوص هویت جنسی) ایشان بصورت یکپارچه در راستای شکل گیری جامعه صالح و اعتلای مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی که از طریق کسب شایستگی های لازم (پایه و ویژه) صورت می گیرد مبانی نظری ص ۲۵۶

شایستگی های پایه، عمومی است و شامل همه متریبان می شود که باید داشته باشند.

اهداف تربیت رسمی و عمومی به دو دسته **اهداف مشترک و ویژه** تقسیم می شود. اهداف مشترک آن دسته از شایستگی های پایه است که عموم افراد جامعه باید آنها را کسب کند. مجموعه ای از صفات و توانمندی ها و مهارت های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه های هویت (عقلانی، عاطفی، ارادی و عمل) و معطوف به همه مولفه های جامعه صالح است که همه آحاد اجتماع جهت درک بهبود مستمر موقعیت خود و دیگران برای تحقق مرتبه قابل قبول حیات طیبه باید آنها را داشته باشند مبانی نظری ص ۲۵۹

تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان

مرئی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

جزوه درس آشنایی با ساحت های ششگانه و مبانی تربیت دینی

ساحت های تربیتی				
ارتباط با خلقت	ارتباط با خلق خدا	ارتباط با خداوند متعال	رابطه با خویشتن	عرصه ها عناصر
				تعقل و تفکر
				ایمان و باور مبتنی بر تفکر
				علم، معرفت، آگاهی
				عقل
				اخلاق

تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

## الگوی هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی

هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی:

تربیت یکپارچه عقلی، ایمان، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسانها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند. انتظار می‌رود دانش‌آموزان طی دوره تحصیلات مدرسه‌ای، در مجموعه عناصر پنجگانه الگوی هدف‌گذاری، به مرتبه‌ای از شایستگی‌های پایه دست یابند. این شایستگی‌ها، بیان‌کننده‌ی یافته‌ای از هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی است.

شایستگی پایه: ساحت هسته‌ی شخصیت انسان که مبتنی بر آن تحلیل لایه‌مند که از رفتار انسان کرده این سند بالا دستی آن را شرح داده است.

لایه‌ی مسندی‌های شخصیت انسان: ۱- عقلانیت ۲- ایمان ۳- علم، عمل، اخلاق

### شایستگی‌های پایه

تهیه شده توسط جمعی از مهارت‌آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

اولین نشان عقل بود

عقلانیت ابزاری و خود بنیاد: عقلی است جزیی و ابزاری در محدوده‌ی معاش و محسوسات (این دنیایی) است. جهت‌گیری اصلی عقلانیت ابزاری، تسلط بر طبیعت است. فرانسیس بیکن در کتاب (نوارغنون) گفت که دانایی، توانایی است. ماکس وبر رفتارهای انسانی غربی را که متأثر از غلبه عقلانیت ابزاری است، کنش‌های عقلانی معطوف به هدف - اهداف دنیوی می‌داند.

عقل ابزاری است به عقل قدسی و شهودی پشت کرد. (عقل قدسی کلی است)





عقل قدسی: «ما عُبد به الرحمن واكتسب الجنان»

عقلانیت ابزاری و عقلانیت اسلامی و عقلانیت مدرن تفاوت ماهوی دارد و قابل جمع نیست یکی دایره شعاعش بسیار محدود و دیگری دایره شعاعش فراتر از ماده هست.

### شایستگی ها در حوزه تعقل:

۱- درک وجود خود، نیازها، توانمندی ها، ظرفیت ها و ابعاد هویت متعالی خویش اینکه متربی خودش را بشناسد، نیازهایش را بشناسد و.....

۲- بصیر نسبت به آثار و پیامدهای سبک زندگی خود

۳- تدبیر در صفات، افعال و آیات خداوند به عنوان خالق هستی

۴- تدبیر در نظام خلقت و شگفتی های آن

نکته: دو مورد اول سیر انفسی است، دو مورد دوم سیر آفاقی است.

دومین لایه از افعال وجودی انسان ایمان است، البته ایمان مبتنی بر عقلانیت

استارت ایمان و باور قلبی و درونی عقلانیت: ایمان وقتی درونی می شود که همراه با عقلانیت باشد، با چون و چرا باشد البته چون و چرایی که وقتی به حق و حقیقت رسیدی سر تواضع فرود می آورد به این می گویند عقلانیت اسلامی و سپس ایمان اسلامی را در پی خواهد داشت.

### شاخصه های ایمان:

۱- ایمان آگاهانه با توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه منظور از این آگاهی همان عقلانیت که اولین شایستگی پایه است.

۲- باور به ربوبیت و حضور حکیمانه همراه با لطف و رحمت خالق یکتا در عرصه هستی.

فرقش با قلبی چیه؟ قلبی توحید بود دومین ربوبیت است. ربوبیت یعنی کنش گری خداوند. خداوند جهان را خلق نکرده و خودش رفته دنبال کارش، نه، خداوند هم خالق عالم هم رب عالم است، کار ما این است که تلاش کنیم متربی به حضور حکیمانه خداوند ایمان بیاورد.

۳- ایمان به انبیاء الهی، قرآن، پیامبر خاتم (ص)، ائمه معصومین علیه السلام و ولایت فقیه و نقش بی بدیل آنها در هدایت و رستگاری بشر (پاورقی: با توجه به آزادی مذهبی و دینی اصول ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ قانون اساسی) ما همه ی انبیا الهی را قبول داریم اینطور نیست که موسی و عیسی را نپذیریم.

ولایت فقیه در طول ولایت معصومین است ولایت فقیه تجلی توحید ربوبی خداوند در عرصه سیاسی واجتماعی، خودش مبانی فکری و تئوریهای فلسفی فکری متفاوتی دارد.

۴- باور به نقش دین مبین اسلام و نظامات آن به عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه

۵- ایمان به ارزشمندی، هدفمندی و قانون مندی خلقت و باور به زیبایی های جهان آفرینش به عنوان مظهر فعل و جمال خداوند.

۶- ایمان به هدایت الهی انسان، کرامت او و توانمندیهای جمعی و فردی انسان سومین لایه از افعال وجودی انسان علم است.

### شاخصه های علم:

- ۱- شناخت خود، ظرفیتها و هویت خویش
- ۲- شناخت حق تعالی صفات افعال و آیات الهی و معارف دینی و منابع آن
- ۳- علم نسبت به پدیده ها، روابط، رویدادها و قوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان با آنها و بهره برداری بهینه از آنان
- ۴- علم نسبت به روابط، نقش ها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آنها در زندگی اجتماعی
- ۵- علم نسبت به گذشته و حال جوامع بشری به ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران
- ۶- آشنایی با ویژگی های نظام مرد سالاری دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی

### چهارمین لایه عمل

یعنی: یعنی کودک فقط ذهن گرا بار نیاید به عمل منتهی شود.

## شاخصه های عمل:

- ۱- عمل به آموزه های دینی و انجام آگاهانه و مومنانه واجبات و ترک محرمات
  - ۲- بکارگیری ظرفیت های وجودی خود برای دستیابی به هویت متعادل و یکپارچه در مسیر رشد و تعالی خود جامعه.
  - ۳- بکارگیری آداب و مهارت ها و سبک زندگی اسلامی - ایرانی
  - ۴- بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار و زندگی
  - ۵- بهره گیری از مهارت های پایه برای شکل دهی هویت حرفه ای آینده خود به صورت مولد و کارآفرین.
  - ۶- بهره گیری آگاهانه از یافته های علمی، هنری، فنی، حرفه ای، بهداشتی، زیستی و تلاش موثر برای تولید و توسعه آن
  - ۷- حفظ و تعالی محیط زیست، میراث فرهنگی و سرمایه های طبیعی
  - ۸- بکارگیری مهارت های یک زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی.
- برنامه درسی با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی  
پنجمین لایه اخلاق است

## شاخصه های اخلاق

- ۱- رعایت تقوای الهی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی  
تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان
- ۲- متعهد به ارزشهای اخلاقی از جمله صدق، صبر، احسان، رأفت، حسن خلق، حیا، شجاعت، خویشتنداری، قدر شناسی، رضاع دالت، قناعت، ن وع دوستی، ت کریم والدین و معلم در شئون و محاسبات فردی و اجتماعی
- ۳- ارزش قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر
- ۴- ارزشمند دانستن عالم، علم آموزی و یادگیری مادام العمر
- ۵- تقدم بخشیدن منافع ملی بر گروهی و منافع جمعی و فردی
- ۶- ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط زیست

۷- التزام به اصول و ارزشهای اخلاقی در استفاده از علوم و فناوریهای نوین.

## جلسه چهارم

### ساحت تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی

#### معنا و قلمرو این ساحت

تربیت دینی دو معنا دارد:

الف) تربیتی که چارچوب بنیادی آن از اسلام است در مقابل تربیت سکولار می باشد و مساوی با تربیت اسلامی است.

ب) بخش خاصی از تربیت که برای تقویت دینداری و دین ورزی متریان صورت می پذیرد و اعتقادات، اخلاق و ایمان آموزش داده می شود.

پس تربیت اعتقادی عبادی و اخلاقی عبارت است از: همه تدابیر و اقداماتی که جهت پرورش ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری متریان نسبت به مجموعه ای از باورها، ارزشها، اعمال و صفات اعتقادی عبادی و اخلاقی

در راستای تکوین و تعالی هویت دینی صورت می پذیرد.  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

#### اهداف این ساحت

۱. پذیرش آگاهانه و آزادانه دین اسلام برای تکیه بر آن جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت خود در راستای تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن.

۲. تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی وجودی خویش و دیگران از طریق برقراری ارتباط با خداوند و دعوت سایرین به دین داری و اخلاق مداری

۳. خود شناسی و دیگر شناسی برای پاسخگویی مسئولانه به نیازها، محدودیتها، و پیدایش ظرفیت های وجودی خویش و دیگران از طریق درک و اصلاح موقعیت خود و دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی

۴. تلاش پیوسته برای خود سازی و اصلاح دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی از طریق مهارت های طبیعی، تعدیل عواطف و تمایلات، حفظ کرامت و عزت نفس، کسب صفات و فضایل اخلاقی، پیشگیری از رذایل اخلاقی و امر به معروف و نهی از منکر

۵. تلاش پیوسته برای حضور موثر و سازنده دین و اخلاق در تمام ابعاد فردی و اجتماعی زندگی با التزام عملی به نظام معیار اسلامی

### رویکرد این ساحت

۱. فطرت مداری ۲. تعالی در مرتبتی ۳. جامع بودن بین روش موضوعی (در بعد بینش و دانش دینی) و روش تلفیقی (با سایر ساحت های تربیت و در بعد نگرش و عمل دینی) ۴. عقلانیت محوری ضمن توجه به ابعاد عاطفی و عملی و تاکید بر کسب بصیرت دینی ۵. مشارکت و همراهی همه عوامل تربیتی ۶. انعطاف پذیری، تنوع و پویایی ۷. فعال بودن (تاکید بر نقش محوری متریبیان در فرایند و نتیجه) ۸. مسئله محوری (توجه به موضوعات و مسائل روز) ۹. توجه به بعد عاطفی و ولایی دین، تولا و تبری ۱۰. چند بعدی بودن و تحویل دینداری به یکی از ابعاد آن

### اصول این ساحت

اصل اول: اصل تحول مداوم  
تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

مصادیق این اصل: اصل تحول مداوم

حرکت از اصلاح ظاهر به تحول باطن

حرکت از پیامد گرایی به تکلیف مداری

حرکت از تلقین و عادت به تبیین انتخاب و استدلال

حرکت از ظن به یقین و اطمینان

حرکت از ارزیابی بیرونی به ارزش یابی توسط خود شخص

حرکت از اصلاح محیط به سوی مقاومت در مقابل محیط و تاثیر گذاری بر آن

حرکت از اصلاح فردی به اصلاح اجتماعی

حرکت از ارزش های عام انسانی به ارزش های الهی

حرکت از اجبار برنامه ای به انتخاب فردی

حرکت از الزام بیرونی به التزام شخصی

**اصل دوم: اصل ایجاد توازن**

مصادیق این اصل عبارتند از:

تاکید بر پرورش روحیه نقادی هم نسبت به مدرنیته هم نسبت به سنت

انعطاف پذیری نسبت به واقعیات متنوع محیطی و خرده فرهنگ ها و خانواده ها

توازن میان مربی محوری و مربی مداری

تلفیق و ترکیب مناسب و هماهنگ تعلیم و تزکیه در حیطه تربیت دینی

توجه به خصوصیات فردی و جنسی متریبان ضمن تاکید بر مشترکات میان آن ها

تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان

رعایت اعتدال

مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

جمع بین حفظ امور ثابت دینی و پویایی نسبت به مقتضیات زمان و مکان

**اصل سوم: اصل رعایت اولویت ها (الاهم فالاهم)**

مصادیق این اصل عبارتند از:

اولویت استدلال بر تعبد

تقدم پیشگیری بر درمان

تقدم مبارزه با علت نسبت به برخورد با معلول

دفع افسد به فاسد

رعایت اهم و مهم

تقدم پیرایش از زشتی ها بر اراسته شدن به زیبایی ها

تقدم فضل بر عدل

تقدم رحمت بر غضب

تقدم کیفیت بر کمیت

### جلسه پنجم

اقسام تربیت دینی: ((ساحت دوم تربیت اجتماعی سیاسی))

جغرافیای کنش گری از سان به شش قلمرو تقسیم می شود که به آن ها ساحت های تربیت گفته میشود.

بنابراین هدف گذاری مربی و نظام آموزشی و تربیت در یکی از این ۶ ساحت است. غفلت از یک یا چند ساحت نابخشودنی است چرا که مخالف سند تحول است.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به دنبال نگاه جامع، کلی و فرازین به متربی است.

انسان به مثابه موجود اجتماعی تلقی می شود. در اجتماعی شدن و یا اجتماعی بودن انسان در فلسفه اجتماع دو نظریه مطرح است (ذاتی یا عرضی بودن اجتماعی بودن انسان).

**فعل اجتماعی** در دو معنا به کار می رود:

معنای اول آن عام است و شامل هر نوع رفتار با دیگری است مثل رفتار های اقتصادی.

معنای دوم آن فعل رفتارهای فرهنگی است.

## معنا و قلمروشناسی این ساحت:

تربیت اجتماعی سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی و ناظر به کسب شایستگی هایی است تا متربیان شهروندانی فعال، آگاه و مشارکت جو باشند.

## قلمرو این ساحت:

ارتباط مناسب با دیگران

تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهاد های مدنی و سیاسی

کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت های ارتباطی

## اهداف ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی:

بازنشانی حفظ و اصلاح اداب و رسوم هنجار ها ارزش های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی

درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی به منظور ساختن آینده ای روشن و اثر گذاری بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی

توسعه آزادی و مرتبه وجودی خود و دیگران در درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران

برقراری رابطه سازنده و مناسب بر اساس نظام معیار اسلامی و کسب صفات جمعی همچون احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق همدلی و مسالمت جویی

آمادگی جهت تشکیل خانواده حفظ و تداوم آن به مثابه مهمترین نهاد تحقق بخش جامعه صالح بر اساس ارزش های نظام معیار اسلامی

تعامل شایسته با نهاد های دولتی و همچنین سایر نهاد های مدنی و سیاسی و کسب شایستگی هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش های اجتماعی در جهت شکل گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی

بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی با توجه به نیاز های حال و آینده و تلاش جهت تحقق امت واحده اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی



تلاش جهت ارتقا ابعاد مشترک (انسانی، اسلامی و ایرانی) هویت خود بر اساس نظام معیار اسلامی به صورت یکپارچه

مشارکت جمعی موثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم ستیزی، عدالت خواهی، کسب و حفظ استقلال همه جانبه، مراعات حقوق و آزادی های مشروع دیگران، پیشرفت مردم سالاری دینی، بسط عدالت اجتماعی، حفظ وحدت و تفاهم ملی، تعامل میان فرهنگی و تفاهم بین المللی بر اساس نظام معیار اسلامی

### رویکرد ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی:

جهت گیری این ساحت تربیت جهت عضویت فضیلت مدارانه در خانواده صالح و جامعه صالح

### اصول تربیت اجتماعی سیاسی:

توجه به روابط سازنده متربی و جامعه

فراهم ساختن زمینه خروج متربی از خودمحوری، خودکامگی و استبداد

نگریستن به حقوق و مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی به عنوان دو عنصر مکمل

در نظر گرفتن فردیت ممتاز و متمایز آدمی و عزت متربی و جامعه

تاکید بر قانون مداری و قانون مندی

توجه به شایستگی های پایه جهت مشارکت فعال متربیان (عمل آگاهانه و آزادانه) در حیات خانوادگی، مدرسه ای، اجتماعی و سیاسی

تهیه شده توسط جمعیت از مهارت آموزان

توجه به شایستگی های ویژه و پایه (با رویکرد نرم) جهت تشکیل خانواده ای صالح به مثابه مولفه اصلی و تداوم بخش حیات و جامعه صالح

توجه به بازبانی موقعیت خود در دامنه سنت های اجتماعی و در بستر فرهنگ و روابط اجتماعی و خانوادگی با نگاهی گزینشی و اقدام جهت اصلاح و بهبود مستمر آنان

تاکید بر هویت مشترک (انسانی، اسلامی و ایرانی) جهت وحدت ملی و انسجام اجتماعی

تاکید بر اصل تولی، تبری و ولایت پذیری

تاکید بر ظلم ستیزی و عدم پذیرش ظلم (ظلم پذیری)  
تاکید بر رسالت جهانی و مسئولیت بشری و گسترش عدالت در جهان  
تاکید بر پرورش منش ازادگی درهویت متربیان  
طرد تفکیک میان دین و سیاست، حق و تکلیف، اختیار و وظیفه، عبادت و کار  
توجه به میراث ادبیات فارسی جهت انتقال ارزش های اصیل اخلاقی  
توجه به میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در راستای هویت مشترک اسلامی و ایرانی

### جلسه ششم

#### ساحت سوم (تربیت زیست و بدنی)

اسلاید

#### ۱-۶ معنا و قلمرو ساحت تربیت زیستی و بدنی

\*تربیت زیستی همان محیط زیست است بُعد مادی است بُعد فیزیکی (ناظر به محیط زیست ماست و بدن بخشی از محیط زیست ماست)

\*کلمه بدن و جسم درمورد انسان به کار می رود.

\*در این ترکیب کلمه روح و روان نیامده ولی شامل آن می شود.  
مرکز آموزشی با مدیریت آگاه امسانی

از تربیت بدنی صحبت صرفاً تربیت جسمانی نیست بلکه تربیت روانی و بهداشت روانی را هم شامل می شود.

#### تعریف ساحت تربیت زیستی و بدنی

اسلاید

ساحت تربیت زیستی و بدنی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متربیان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمانی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است.

سلامت نتیجه ی بهداشت ورزشی است

تربیت اخلاقی بریده ای از تربیت بدنی است.

نکته:

\*پس قلمرو ساحت زیستی و بدنی شامل موارد زیر است تربیت جنسی، سلامت فردی و اجتماعی، بهداشت زیست محیطی، قلمروهای زیست بوم شهری و منابع طبیعی.

## بخش دوم از درس ۶

اسلاید

### اهداف ساحت تربیت زیستی و بدنی

\*درک ویژگی های زیستی خود و پاسخگویی مسئولانه به نیازهای جسمی و روانی خویش از طریق تعدیل غرایز و تمایلات و عواطف طبیعی، تقویت قوای جسمی و روانی و مبارزه با عوامل ضعف و بیماری بر اساس نظام معیار اسلامی.

بنابراین در دریای زیست محیطی اگر بخواهیم به سر منزل مقصود برسیم باید حواسمون به این ویژگی ها باشد.

مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

**اولین هدف** درک ویژگی های زیستی خود. باید مربی به مربی کمک کند که ویژگی های زیستی خود را بشناسد و زمینه سازی کند که اعضا و اندام بدنش را بشناسد، هم اعضای داخلی و هم بیرونی و اندام جنسی خود را بشناسد (خودآگاهی زیستی و جسمی).

صرف درک هم کافی نیست مثل دانش بی عمل/باید بتواند منفعت آفرین باشد. باید پاسخ گوی نیازهای خود باشد. البته برخی پاسخ ها غریزی است اما باید در چهارچوب باشد یعنی مسئولانه باشد. پاسخگویی مسئولانه یعنی پاسخگویی در چهارچوب عقل و نقل است که راه و کانالش تعدیل غرایز است.

**هدف دوم:** تلاش پیوسته جهت حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی خود و دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی.

**هدف مربیان در آموزش:** ۱- حفظ و ارتقا ۲- سلامت و بهداشت ۳- جسم و روان ۴- خود و دیگران

**هدف سوم:** بصیرت نسبت به سبک زندگی انتخاب شده و ارزیابی پیامدهای آن درباره خود، جامعه و طبیعت براساس نظام معیار اسلامی.

کلمه بصیرت یعنی چه؟ بصیرت با درک فرق دارد، درک یعنی شناخت و بصیرت عمیق تر از درک است. ممکن است درک داشته باشی ولی بصیرت نداشته باشی، درک و آگاهی با اخبار حاصل می شود همه ی انسان ها بصیرت را ندارند.

ما باید به دانش آموز بصیرت لازم را نسبت به جسم و روان و بهداشت خود و دیگران یاد بدهیم، مثلا باید بتواند در مورد خود و جامعه و طبیعت تحلیل کند.

**بخش سوم از درس ۶**

اسلاید

**هدف چهارم:** تلاش فردی و جمعی برای حفظ و ارتقای سلامت و ایمنی افراد جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی براساس نظام و معیار اسلامی.

در هدف دوم حفظ و ارتقای سلامت خود و دیگران بوده ولی در هدف چهارم این تلاش در حوزه های زیستی و محیطی به تربیت اجتماعی ملحق کند، مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی این شش ساحت را نباید از هم جدا کرد همه باهم باید مماس باشند و باهم تلاقی کنند، تلاش باید جمعی و جمع گرایانه باشد.

کلمه ای ایمنی همان بهداشت است، و بهداشت ورزشی همان ایمنی است و هم می توانیم بگوییم بهداشت و ایمنی فرق می کند. مثلا ایمنی در زیست محیطی مثلا کشتی های نفتکش باید طوری حرکت کنند که به آبریزان دریا آسیب نرسانند، اگر ما برای آبریزان حق حیات قائل شویم، باید مسئولانه رفتار کنیم.

تربیت اسلامی نگاهی اشرافانه بر اجتماع دارد. اسلام دین اجتماعی است.

در هدف چهارم گفته شد؛ در سطح محلی، ملی و جهانی

چرا گفته شد جهانی چون اسلام دینی جهانی است و اجتماعی و تمام اعمال اسلام اجتماعی است. چرا گفته شده جامعه جهانی، چون اسلام در از نای تلاشگری، خودش را فقط منطقه ی خود قرار نداده و تمام جهان را مورد توجه و مخاطب قرار داده است، حتی کافران را مخاطب قرار داده است. پس این هدف می خواهد، تربیت زیستی و بدنی را، از یک تربیت فرد گرایانه به جمعی گرایانه ملحق کند.

اسلاید

**هدف ۵:** کوشش مداوم فردی و جمعی برای حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت بر اساس نظام معیار اسلامی.

چرا در هدف کلمه جمعی مدام تکرار می کنند؟ همه جا نگاه اجتماعی را اشراف می کند چون اسلام دینی اجتماعی است و فرهنگ ایران هم با اجتماعی بودن بیشتر سازگارتر است. همه جمله تربیت زیستی را با تربیت اجتماعی و اخلاقی پیوند می دهد.

### بخش چهارم درس ۶

**رویکرد:** یعنی آن کلان نگری و جهت گیری کلان در تربیت زیستی و بدنی باید به کدام جهت باشد. قله روشن است اما از کدام جهت برویم از جناح راست یا چپ (شرق یا غرب) تا به قله برسیم. رابطه نفس و بدن چیست؟ اینکه در فلسفه اسلامی نفس با بدن درهم تنیده است. برخلاف برخی مکاتب ماتریالیسم که روح و روان و جان را انکار می کنند. فلسفه ی اسلامی اینگونه نیست، سه کلمه روح، روان و جان یک تفاوت های کوچکی باهم دارند اما با اندکی تسامح در یک معنا هستند و می خواهند اشاره به یک بُعد از وجودی انسان می کنند. اشاره به روح می کنند که جزء وجود انسان است که اگر نباشد انسان می میرد.

خداوند در قرآن می فرماید: که من از روح خودم در کالبد انسان دمیدم، پس آن دانش آموزی که می خواهیم به او آموزش بدهیم تکه ای از روح خداست روح خدا در او دمیده شده این نگاه کاملاً معنوی و قدسی است، در این ساحت زیستی و بدنی علی القاعده مبتنی بر آن مناشی فلسفی نفس و بدن در تعامل با هم هستند.

تحلیل مرگ هم یعنی جدا شدن نفس از بدن.

اسلاید

مهمترین جهت گیری این ساحت (زیستی و بدنی): تعامل مستمر روح و بدن (مفهوم سلامت و بهداشت در این ساحت، شامل ابعاد روانی هم می شود به دلیل درهم تنیدگی روح و بدن).

چرا گفته شده تعامل؟ چون درهم تنیده هستند، روح و بدن درهم تنیدن حتی ناراحتی روحی و روانی بر جسم تاثیر گذار است مثل آدمی که ناراحت است غذا کم است. کسی که بحران روحی دارد، در جسمش ظاهر می شود و بالعکس وقتی جسم انسان بیمار می شود بر روح او تاثیر می گذارد، مثلا در روانشناسی بحثی هست به نام روان تنی به اصطلاح آن بیماری های جسمی و تنی که بر روح و روان اثر می گذارند، پس ما به عنوان مربی باید حواسمان باشد که روح و بدن متربی باید در تعامل مستمر با هم باشند پس در این تعریف وقتی بدن را می گویند نباید روح را از این مباحث خارج کنیم. بنابراین بهداشت روانی جهت گیری کلی است.

بخش ۵ از درس ۶

اصول حاکم: اصول آن متر و معیار تربیت است.

تربیت یک نوع حرکت است، آموزش هم یک نوع حرکت است، از یک مبدا به منتهایی و اگر این ابتدا و انتها خط کشی شده نباشد اگر جدا از هم نباشد ممکن است دچار انحراف شویم.

اسلاید: اصول ساحت تربیت زیستی و بدنی

- ۱- توجه هماهنگ و مستمر به ترتیب زیستی و بدنی متربیان
- ۲- توجه به کسب شایستگی های پایه توسط متربیان جهت ارزیابی خطرها، لحاظ کردن نتایج بالقوه آن ها و درک و فهم موقعیت خود در زمینه ی زیستی و بدنی و عمل برای بهبود آن
- ۳- توجه به مواجهه با فرصت های خطر ساز زندگی
- ۴- توجه هماهنگ و متعادل به ابعاد جسمانی، روانی، زیستی، اجتماعی، محیطی و معنوی رشد متربیان در تربیت زیستی و بدنی آن ها
- ۵- توجه به کسب شایستگی ایجاد رابطه با محیط، احترام به محیط زیست به مثابه ی آیه ای از آیات الهی.

توضیح مورد اول:

باید حوا سمان با شد که همه ی تربیت متوجه بدن نشود بلکه روح و روان را مورد توجه کنیم یا از آن طرف آن قدر به تربیت زیستی و محیطی توجه کنیم که از تربیت بدنی غفلت کنیم. بنابراین با نگاه هستی شناسی و توحیدی، عالم مخلوق خداست. جسم من هم از خاک است جزء محیط زیست من است پس در اتحاد با محیط زیست من است پس بنابراین اتحاد را برهم نزنیم (نگاه فلسفی و قرآنی).

جسم من عضوی از این عالم ماده است پس عالم ماده یعنی محیط زیست و جسم من که روح بر آن سوار است پس نباید از یکی از اینها غافل شویم بنابراین اولین اصل در همه ی برنامه ها (ورزش، اردوها) حواسمان باشد این اتحاد و انسجام هستی شناسی را برهم نزنیم. کودک باید بداند ما جزئی از این محیط هستیم و مالک چیزی نیستیم (تربیت زیستی و بدنی)

- **توضیح مورد دوم (اصل دوم):** باید آموزش ها و مهارت های ما طوری باشد که مربی یک شایستگی هایی کسب کند که از ظرف های زیستی و محیطی که روح و بدن او را تهدید می کند ارزیابی کند. و در نهایت موقعیت خود را در این زیست بوم و پهنه هستی متحد با طبیعت باشد و خود را جزئی از طبیعت بداند. این فهم خود را از موقعیت بداند.

ما همکار طبیعت هستیم و ما نسبت به طبیعت مسئول هستیم این مضمین را باید انتقال بدهیم تا کسب شایستگی های لازم برای مربی حاصل شود.

- **توضیح مورد سوم:** مثلاً: اعتیاد، چاقی، پر خوری (بدن انسان در مواجهه با خطراتی است) خطراتی که بدن انسان را تهدید می کند مربی باید این آمادگی را در دانش آموز ایجاد کند که نوع مواجهه را دانش یاد بدهد که بتواند با فرصت های خطر ساز مواجه شود و باید این ذهنیت را از او دور کنیم که تو همیشه در مواجهه با موقعیت های خطرناکی هستی و نوع مواجهه را باید به او آموزش دهیم.

مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

- **توضیح مورد چهارم:** تربیت زیستی و بدنی نباید مانند جزیره ای دور افتاده از دیگر تربیت ها باشد باید به هم متصل باشند. هم همانگی و هم تعادل بین بعد جسم و روان باید باشد بنابراین مثلاً یک رژیم غذایی و یک رژیم نرمش و ورزشی را برای دانش آموز تجویز نمی توانیم و نباید ابعاد اجتماعی را نادیده بگیریم مثلاً ورزش های هوازی که به صورت جمعی باشد مورد پسند هستند یا مثلاً ورزش های رزمی که در آن آداب مهم تر است. یا کشتی که روحیه ی پهلوانی دارد.

بنابراین تجویز ما نمی تواند ناهماهنگ و نامتعادل با دیگر عرصه ها باشد. به دلیل اینکه وجود انسان وجود یک پارچه ای است.

- **توضیح مورد پنجم:** اینجا شایستگی های پایه را کسب کرده باید توحید اجتماعی را کنش گری کند محیط را تغییر دهد. باید رابطه ی سالم با محیط داشته باشد در مورد های قبلی ذهنیت را اصلاح کند، که محیط زیست بخشی از حیات ماست، محیط زیست مخلوق خداست، محیط زیست حق دارد و حق حیات دارد. و بعد گرایش را تغییر دهد و سپس ایجاد رفتار کند که در عمل هم رابطه ی سالم و طرحی نو دراندازد با محیط زیست/هنر اسلام یک کلمه است اگر نگاه آیه ای داشته باشیم محیط زیست را تخریب نمی کنیم و هزاران سال برای آیندگان نگه می داریم.

#### بخش ششم از درس ۶

انگاره یعنی تصویرها و ایچ های ساخته شده یا آن تصویر سازی هایی که ما باید انجام دهیم. انگاره اهمیت دارد چون با شخصیت ناخودآگاه ما ارتباط دارند .  
بخشش مهم گاهی اوقات آدم کاری را ناخودآگاه انجام می دهد وقتی هم به او اعتراض می کنیم و می گوئیم کارتان اشتباه است می پذیرد،

ولی اشتباه او ناشی از تصویری بوده که مبتنی بر آن تصور آن کار را انجام داده پس ما در تربیت اولاً ما خود مربیان باید انگاره های خودمان را اصلاح کنیم، چون انگاره های ما به تعبیر فلسفی، تصورات ما هستند که ابتدای فعل اختیاری مکلف است ولی چون ناخودآگاه است زیاد معلوم و پیدا نیست و زیاد مورد توجه قرار نمی گیرد.

تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

اسلاید

#### ادامه ی اصول ساحت تربیت زیستی و بدنی

مورد ۶: توجه به ایجاد روحیه ی تعهد و مسئولیت پذیری نسبت به آفریده های خداوند اعم از انسان ها و طبیعت در متربیان.



پس در تربیت تمام توجه یک مربی به این نباشد که یک ورزشکار سالم با بدن سالم و قند و اوره ی سالم باشد، البته خوب است در اینجا کار مربی با وزرات بهداشت تماس پیدا می کند.

اما مزیت نسبی مدرسه بر وزارت بهداشت این است که به قلمرو بهداشت و سلامت که کار ویژه ی بهداشت است قلمرو های اخلاقی و تربیتی را نگاه کند. باید به دانش آموز یاد بدهیم که تو حق نداری با مسواک نزدن دندانهایت را از بین ببری، باید به کودک یاد بدهیم که تو نسبت به پاکي روحت مسئول هستی تو معصوم هستی پس با گناه کردن آن را آلوده نکن.

اسلاید

**اصل ۷:** توجه به تربیت جنسی با توجه به تفاوت های جنسی متربیان

توضیح: تربیت جنسی ناظر به جنس انسان، اندام جنسی است.

اما جنسیتی ناظر به (زن و مردی، دختر و پسر) بودن است لذا در عرصه ی تربیتی زیستی حتماً باید به آن توجه شود.

**اصل ۸:** توجه به مشارکت و تعامل همه ی نهادها و عوامل سهیم و موثر در زمینه ی سلامت و تربیت بدنی متربیان

**توضیح:** تربیت بدنی فقط کار خانواده یا مدرسه نیست. کار مدرسه را خانواده نباید خنثی کند و کار مدرسه را شبکه های اجتماعی نباید خنثی کنند، حکمرانی آموزشی اگر مورد تهدید حکمرانی بی در و پیکر سایبری قرار گیرد (که امروزه اینطور است) خنثی می شود. اگر اقتصاد چوب لای چرخ فرهنگ و تربیت بگذارد آن را خنثی می کند این هم یک اصل کلان است و اختصاص به این ساحت ندارد. باید تعامل و تعاضد همه نهاد ها باهم باشد.

**اصل ۹:** توجه به ایجاد زمینه ی مناسب کسب شایستگی های پایه مرتبط با ابعاد زیستی زندگی خانوادگی برای متربیان.

**توضیح مورد ۹:** ما باید شایستگی های پایه را برای حوزه ی زیست محیطی (خانواده) فراهم کنیم.

**اصل ۱۰:** توجه به زمینه سازی برای کسب شایستگی های لازم در سطح تربیت همگانی بدنی در عین حال توجه به زمینه سازی برای کسب شایستگی های لازم به ویژه تربیت بدنی در سطح قهرمانی.

**توضیح ۱۰:** برای مربی اینجا تفاوت ورزش همگانی و قهرمانی را می گوید، اینها دوتا مقوله هستند ورزش همگانی هدف آن سلامت بدنی است و قرار نیست به مدال برسیم اما در ورزش قهرمانی هدف کسب مدال است در هر دو زمینه یک اصل است که تربیت بدنی شایستگی های لازم را هم در آن سطح و هم در سطح بالاتر برای افرادی که انگیزه ی آن را دارند فراهم می کند.

**اصل ۱۱:** توجه به ظرفیت های تربیت غیر رسمی برای زمینه سازی کسب شایستگی های پایه و ویژه در حوزه سلامت و تربیت بدنی.

**توضیح:** ما اگر کُند شگر مدرسه هستیم نباید ظرفیت بسیج محله ی خودمان را نادیده بگیریم یا ظرفیت آقای پرفسور فلان که در مرحله ی خودمان هست را نادیده بگیریم که می تواند الگو باشد و موثر باشد را نادیده بگیریم.

در اینجا می خواهد بگوید که بین تربیت رسمی و غیر رسمی هم آوایی و هماهنگی باشد، وجود مدرسه باید این کار را بر عهده بگیرد. مثلاً معاونت مدرسه ها جهاد کشاورزی هماهنگی کند که ما مثلاً یک دوره درخت کاری با هماهنگی شما انجام دهیم (اینها می تواند مقوله ی غیر رسمی باشد ولی باید هماهنگ با تربیت رسمی باشد).

**\*مهم\***

در کل تربیت زیستی و بدنی نباید از تربیت جنسی و جنسیتی، بهداشتی و روانی غافل شود، علاوه بر اینها تربیت جسمانی، بدنی و تربیت زیستی و محیط زیستی را هم مورد توجه قرار دهد.

تهیه کننده: کوشا جمعی از مهارت آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

## قسمت اول از جلسه هفتم

یکی از کلید واژه های سند تحول بنیادین ساحت های ششگانه است.

ساحت های ششگانه ناظر به ابعاد وجودی مرتبی و دانش آموز است که تاکید سند نسبت به عرصه ها و ابعاد وجودی مرتبی را نشان می دهد.

### ساحت چهارم: ساحت تربیت زیبا شناختی و هنری

زیبایی به مثابه یک هستی خوانش های متفاوت و قرائت های متعددی از آن ارائه شده است. از آنجا که سند تحول بیشتر نظریات صدر المتالهین (ملا صدرا) (مسلمان شهید) یا صدرای شیرازی است، زیبایی را در این مکتب شرح می دهیم.

ملا صدرای شیرازی بر این باور است که زیبا چیزی است که تحسین می شود و در آن حسنی وجود دارد.

اشاره به آیه ۷ سوره سجده می کند: خداوند کسی است که در آفرینش هر چیزی حسن قرار داده است.

نوع ترکیب اجزای یک شی می تواند باعث زیبایی آن شود. نوع تالیف و تناسب می تواند زیبایی آفرین باشد.

### انواع قوه ها در وجود انسان ۱: قوه عقل ۲: قوه خیال

ویژگی و برتری انسان بر سایر حیوانات این است که دارای قوه خیال است. خیال به معنای همان خیال پردازی در فارسی است. خیال بافی هر وقت از حدش بگذرد باعث سختی است و نیاز به درون نگری دارد که بتوانیم از شر آن خلاص شویم و خود قوه ی خیال در حد متعادل آن خوب است.

خیال در فلسفه ی اسلامی تصویر محسوسات است که توسط ذهن ما عکس برداری می شود. از عالم تصویر مثل کوه، جنگل ، حیوانات..... در یک محفظه ای به نام قوه خیال جمع می شود و قوه خیال آن ها را با هم ترکیب می کند، این ترکیبات حاصل خیال و قوه تخیل است. پس قوه ی خیال انسان به قوه ی عقل کمک می کند.

## جزوه درس آشنایی با ساحت های ششگانه و مبانی تربیت دینی

پس از طریق قوای پنجگانه محسوسات درک می شود و به قوه خیال سپرده می شود و در آن جا این محسوسات ترکیب می شود بعد خیال پردازی می کنی که موتوری بسازی که با آب کار کند، در مراحل بعدی عقل وارد می شود.

براساس قوانین حاکم در طبیعت و عقلانیت، شاید بتوان آن خیال را عملیاتی کرد. پس باید به خیال پردازی بها داد.

خیال پردازی می تواند ذوق زیبایی شناسی و درک زیبایی های عالم را کسب کند و منتهی به هنر شود.

پس نگاه ملا صدرا که نگاهی توحیدی است، بیان می کند که عالم و دنیا و هستی، چون آینه ی جمال حق تعالی است بنابراین این غایت زیباشناختی هم غایت شناخت خدا است. پس کارکرد قوه ی خیال این است که زیبایی های عالم را کشف کند. قوه ی خیال کارش تصویر سازی است مثل اسب بالدار

زیبایی به عشق منتهی می شود. در زیبایی شناختی ما به دنبال تقویت قوه عقل متربی نیستیم بلکه به دنبال مدیریت دل او هستیم.

### بخش دوم از درس هفتم

#### ۱\_۷\_ معنا و قلمرو ساحت تربیت زیباشناختی و هنری | جمعی از مهارت آموزان

مریی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

این تربیت ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف احساسات و ذوق زیبایی شناختی متربیان (توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی، توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار هنری) است.

پس مربیان باید به بعد زیبا شناختی و هنری متربیان توجه کنند. کاری کنیم که تربیت هنری دانش آموز هم شکل بگیرد.

پس در کنار سایر تربیت ها مانند تربیت علمی، عرفانی، عقلانی، تربیت زیباشناختی اهمیت بسیاری دارد که کمتر تا کنون به آن پرداخته شده است. هنر باید در خدمت انسانیت باشد تا زیبا شود.

## بخش سوم از درس هفتم

### ۷-۲- اهداف ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری

۱- درک معنای پدیده ها و هدف رویداد های طبیعت/هستی برای دست یابی به درک کلی از جهان هستی و جایگاه خویش در آن براساس معیار اسلامی

توضیح: دانش آموز بتواند یک نگاه کلان و از بالا به عالم داشته باشد و جایگاه خود را بیابد یعنی به جای اینکه در موقعیت خودش گم شود خودش را درک کند و جایگاه خود را پیدا کند.

۲- رمز گشایی و رمز گردانی از پدیده های آشکار و پنهان طبیعت/هستی و ابراز آن به زبان هنری.

توضیح: ( رمز گشایی یعنی جایی که قبلا رمزی تعبیه شده باشد و رمز گردانی یعنی بتواند کد ها را پیدا کند، تبدیل به حروف الفبا کند و از دل آن بتواند یک جمله را در بیاورد یعنی هنرمند بتواند به زبان شعر رمز گشایی و رمز گردانی کند.

۳- پرورش حواس و قدرت تخیل برای بازخوانی فطرت الهی خویش در دریافت تجلیات حق در سراسر طبیعت/هستی با توجه به نظام معیار اسلامی

توضیح: (مهارت خوب دیدن ، خوب شنیدن و خوب لمس کردن را بتوانیم به دانش آموز بیاموزیم تا بتواند فطرت الهی خود را بازخوانی کند و به حق برسد)

۴- قدر زیبایی های جهان آفرینش به منزله مظاهر جمال و کمال الهی و ارتقاء دانسته زیبایی شنا سانه ی خود

توضیح: ( بتواند نظم بوجود آمده که باب طبع انسان است) زیبایی را درک کند و کشف کند. اما نه صرفا هنر برای هنر بلکه هنر برای و به منزله ی مظهر جمال الهی)

۵- زیباسازی محیط زندگی و پیراستن آن از انواع زشتی های معنوی اخلاقی و زیست محیطی

توضیح: (مهارت انتقال زیبایی از دنیای درون به دنیای بیرون و محیط را هم زیبا کند و تمام زشتی ها اعم از ظاهری و باطنی را در وجود خود و محیط از بین ببرد.

### بخش چهارم از درس هفتم

۶- بهره گیری از قدرت تخیل خود در خلق آثار هنری با هدف حفظ و تعالی میراث هنری در سطح ملی و جهانی

توضیح: ( دانش آموز بتواند قدرت تخیل خود را در خلق آثار هنری به کار بگیرد یعنی فقط در مرحله درک باقی نماند بلکه باید به خلق آثار هنری منتهی شود. قرار نیست در آموزش و پرورش همه هنرمند شوند اما قرار است این بعد از ابعاد وجودی آن ها شکوفا شود. آن هم در سطح ملی

### ۳-۷- رویکرد ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری

• رویکرد اصلی تربیت هنری موضوع محور است و شامل قلمرو های معرفتی تولید هنر، تاریخ هنر، زیبایی شناسی و نقد هنر می شود.

## جزوه درس آشنایی با ساحت های ششگانه و مبانی تربیت دینی

توضیح: ( قرار نیست فقط در کلاس ها خط نستعلیق و نقاشی آموزش داده شود بلکه معرفت هنر، تولید هنر، تاریخ هنر و ... را هم شامل شود. باید نقد هنر را هم در نظر داشته باشیم و در پرورش تفکر نقادانه بکوشیم)

- در این ساحت رویکرد دریافت احساس و معنا ( به مثابه رویکرد مکمل) شامل دو فرایند خلق معنا و کشف معنا است. خلق هنری نوعی رمزگذاری یا رمزگردانی و درک و دریافت معنا نوعی رمز گشایی است.

توضیح: ( کمک کنیم که دانش آموز در تصویر گری و در ظاهر هنر نماند و به کشف و خلق معنا برسد مانند هنر کاریکاتور که در باطنش معنا نهفته است)

- هدف تربیت هنری، پرورش هنرمند حرفه ای نیست ؛ بلکه هدف پرورش ادراک زیبایی شناسی متربیان است.

توضیح: ( هنر برای هنر حرف درستی نیست بلکه هدف از هنر پرورش و درک زیبایی است)

### بخش پنجم از درس هفتم

اصول یعنی تربیت و قواعد و فرمول ها و باید های کلان که مربی و علم باید در آن شاهره حرکت کند.

تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان

مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

### ۴-۷- اصول ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری

۱- تاکید بر پرورش حواس

## جزوه درس آشنایی با ساحت های ششگانه و مبانی تربیت دینی

توضیح: ( درست دیدن را باید به دانش آموز بیاموزیم البته توجه به پرورش حواس ظاهری هنری مهم است که باید در خدمت جامعه باشد، در خدمت زندگی واقعی دانش آموز باشد. خوب شنیدن و خوب دیدن در زندگی آینده او کمک کننده است..

پس اصل تربیتی هنر نباید بریده از زندگی و جامعه واقعی باشد بلکه باید در جهت تقویت و ایجاد مهارت ها باشد.)

۲- فراهم سازی زمینه های مناسب پرورش تخیل و قوه خیال

۳- تاکید بر فراهم سازی زمینه های کسب شایستگی رمز گذاری و رمز گشایی برای متریبان

توضیح: ( مهارت رمز گذاری و رمزگشایی را کسب کند با هنر بتواند اسرار و معما ها و رمز های جهان را بگشاید) به دنبال نشانه بروند تا به معنا برسند.

### بخش ششم از درس هفتم

۴- تلقی تربیت زیباشناختی و هنری به مثابه تربیت همگانی

توضیح: ( حواس معلمان باشد که تربیت زیبا شناختی نوعی تربیت همگانی است و کمبود امکانات

تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

به خیال پردازی دانش آموز جهت بدهید، جهت انسانی و مثبت بدهید. ارتقای انگیزشی بدهید به نقاشی ها و شعرهایش او را تشویق کنید.

۵- تاکید بر فراهم سازی زمینه ها و شرایط آفرینش گری و خلاقیت برای متریبان



توضیح: ( به فعالیت های هنری دانش آموز بها بدهید و شرایط خلاقیت را فراهم کنید) هم مربی و هم متربی باید خلاق باشد مثل به جای مداد رنگی از شن برای نقاشی استفاده کنید.

۶- تاکید بر تربیت زیبا شناختی و هنری به منزله یک فرا برنامه درسی و روح حاکم بر کل برنامه های درسی

توضیح: ( برنامه های درسی یک نوع اصطلاح است و یک رشته که در دانشگاه هم تدریس می شود اما فرا برنامه درسی یک نوع فلسفه حاکم بر تربیت زیبا شناختی است. روح حاکم همان معنای فرا برنامه درسی است. تربیت هنری فقط در زنگ هنر نیست بلکه در کل برنامه های درسی است.)

۷- تاکید بر انعطاف پذیری تربیت زیبایی شناختی و هنری  
توضیح: ( در بعضی چیزها مثل فلسفه و ریاضی نمی شود انعطاف پذیر بود ولی دست کم باید در تربیت زیبایی شناختی انعطاف پذیر باشد زیرا هنر، قوه خیال است و کار قوه خیال ترکیب صورت های ذهنی با هم و نتیجه و تشکیل صورت ذهنی جدید است.)

۸- تاکید بر فراهم آوردن زمینه گرایش و تخصص هنری در متریبان  
توضیح: ( مثلا اگر دانش آموزی استعداد هنری داشت به والدین اطلاع داده شود و زمینه رشد

تخصصی در مراحل بالاتر فراهم شود) (مجموعی از مهارت آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی)

## جلسه هشتم بخش اول

موضوع: معنا و قلمرو ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

۸-۱ معنا و قلمرو ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

این ساحت ناظر بر رشد توانایی های متریبان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه ای است

اموری نظیر: درک مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه ای، التزام به اخلاق حرفه ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار و احکام شرعی معاملات و التزام به اخلاق روابط اقتصادی

**نکته اول:** منظور از تربیت اقتصادی پرورش بعدی از انسان است که به آن فعالیت اقتصادی می گویند.

فعالیت اقتصادی یعنی فعالیت مالی و امرار معاش زندگی که به ابعاد پولی زندگی مرتبط می باشد

**نکته دوم:** به رغم اینکه مقام معظم رهبری پشت سرهم چند سالی که شعارها را با مضامین اقتصادی انتخاب می کنند این پیش فرض که دچار تحریم های سنگین ۴۰ ساله و جنگ اقتصادی هستیم اما همچنان شعارهای اقتصادی ایشان در حوزه آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت است ما با تکاپوی تربیت اقتصادی مواجه هستیم در حوزه اقتصاد و اقتصاد اسلامی بله کار شده، آثاری به چاپ رسیده اما در حوزه تربیت اقتصادی در ایران هنوز به خوبی کار نشده است.

**نکته سوم:** سند تحول بر این ساحت توجه بیشتری دارد و تلاش کرده است که بر تربیت اقتصادی و تربیت حرفه ای تمرکز بیشتری داشته باشد.

در آموزه های دین ما اقتصاد و معاش از امر دین و دین داری جدا نیست و تا معاش تامین نشود ایمان تامین نمیشود.

پیامبر(ص) می فرمایند: کاد الفقر ان یكون کفرا (یعنی نزدیک است که فقر به کفر و بی ایمانی نزدیک شود).

در برخی از نگرش های صوفیه و برخی عرفان ها که خودشان را عرفان اسلامی می دانند ولی اسلام ناب نیست، خداخواهی و خداجویی را در برش از جامعه و تلاش اقتصاد می دانند، در صورتی که در منطق پیامبر(ص) می فرمایند کسی که در راه کسب اقتصادی حلال کشته شود شهید با منزله شهید است

این نگرش که دانش آموز لوح سفید یا حافظه الکترونیکی است که اطلاعات ریاضی و فرمول فیزیک تو ذهنش بریزیم این نگاه از تعلیم انگاره ی درستی نیست.

دانش آموز باید توانایی این را کسب کند که بتواند دانش ریاضی و محاسباتیش را در زندگی حرفه ایش به کار بگیرد و مدیریت دخل و خرج داشته باشد.

## بخش دوم

موضوع: اهداف ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

### ۸-۲ اهداف ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

۱) تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی بادرک موقعیت اقتصادی خود و جامعه و تلاش برای بهبود پیوسته آن از طریق مشارکت سازنده در فعالیت های اقتصادی متناسب براساس نظام معیار اسلامی در قدم اول معاش را مدیریت کند؟ چگونه؟ چگونه موقعیت اقتصادی را بفهمد و درک کند. حالا که درک کرد و مدیریت کرد چکار کند؟ برای بهبود آن پیوسته تلاش کند چگونه؟ در فعالیت های اقتصادی مشارکت سازنده داشته باشد. این فعالیت باید چه شرایطی داشته باشد؟

الف-تناسب داشته باشد با واقعیت های زندگی خودش یعنی به قدر موقعیت مالی و اقتصادی دست به اقدام بزند. ب-براساس نظام معیار اسلامی باشد یعنی براساس روابط اسلامی فعالیت داشته باشد.

۲) درک و فهم مسائل اقتصادی خود و جامعه (در زمینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی) و رعایت الگوهای ملی تولید، توزیع و مصرف منابع، کالاها و خدمات براساس نظام معیار اسلامی این هدف، هدف شناختی و بینشی است با آموزش این هدف ما می خواهیم بینش اقتصادی دانش آموز را سامان دهیم

در این هدف دانش آموز علاوه بر درک مسائل اقتصادی خودش باید فهم عمیق نسبت به مسائل اقتصادی جامعه نیز پیدا کند. مثلا دانش آموز مطالعه داشته باشد، اخبار را دنبال کند که مثلا بازار طلا و خرید و فروش دلار چه ارتباطی با هم دارند به این درک، درک مسائل اقتصادی جامعه می گویند. علاوه بر این درک باید درک تاریخی، فرهنگی، نیز پیدا کند در زمینه اقتصاد زیرا تمام این ابعاد بر اقتصاد تاثیر گذار هستند.

فرایند اقتصادی سه قسم است: ۱) تولید ۲) توزیع ۳) مصرف

دانش آموز درک و فهم اقتصادی پیدا بکند تا بتواند الگوهای ملی تولید، توزیع و مصرف منابع، کالاها و خدمات را براساس نظام معیار اسلامی رعایت کند

پس این هدف ۲بخش دارد: ۱) درک و فهم که می شود بینش

۲) مراعات در زمینه های ذکر شده که می شود کنشگری

### بخش سوم

موضوع: ادامه اهداف ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

۳) مراعات قوانین و احکام معاملات و التزام به آموزش های اخلاقی و رعایت حق و عدالت و انصاف در روابط اقتصادی با دیگران براساس نظام معیار اسلامی

طبق این هدف ما باید قوانین اقتصادی کشور و احکام مربوط به فعالیت های اقتصادی را به دانش آموز آموزش داده شود و دانش آموز پایبند به اخلاق و عدالت و انصاف پرورش دهیم

۴) کسب شایستگی های لازم جهت تکوین و تعالی مداوم هویت حرفه ای و انتخاب آگاهانه شغل متناسب با توانایی ها و علائق خود و فعالیت در آن حرفه در جهت رفع نیازهای فردی و اجتماعی و کمک به منافع شخصی و ملی براساس نظام معیار اسلامی

در این هدف تشریح می کند که خود دانش آموز باید شایستگی هایش را کسب کند و معلم در اینجا فقط یک کمک کننده است خود دانش آموز باید هویت حرفه ای خود را پیدا کند که چی بشه؟ که خودش بتواند شغل متناسب با توانایی هایش را آگاهانه انتخاب کند تا نیازهای خودش و جامعه را برطرف کند و به منافع شخصی و ملی براساس نظام معیار اسلامی کمک کند

اگر فرد فقط به منافع خودش اهمیت دهد می شود تربیت اقتصادی لیبرال یعنی به جامعه اهمیتی نمی دهد.

۵) تلاش فردی و جمعی برای تحقق غنا، کفاف، عمران، رشد و استقلال اقتصادی، حفظ و پیدایش ثروت ملی، افزایش بهره وری، تامین رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی و شناسایی عوامل فقر، فساد و تبعیض و تلاش جهت مقابله با آن ها در سطح ملی و جهانی در جهت تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن براساس نظام معیار اسلامی

### بخش چهارم

۳-۸ رویکرد ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

## ۱- مهمترین جهت گیری این ساحت، جهت گیری کل نگر و تلفیقی است که برخی مشخصه های آن عبارتست از:

الف) توسعه متوازن و متعادل ابعاد و ساخت های وجودی فرد در راستای تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی

- لیبرال ها می گویند انسان حیوان اقتصادیست و اوج و نهایت را در رسیدن به نهایت سود و منافع مالیست اما در اسلام چنین نیست. در اسلام توسعه متوازن و متعادل همه ابعاد انسان مورد توجه است.

## ۲- درونی سازی ارزش های اصیل دینی و اخلاقی در زمینه اقتصادی و حرفه ای مانند ارزش کار و تلاش، کسب حلال، انصاف و عدالت، تعاون، وفای به عهد، پرهیز از اسراف و تبذیر.

با توجه به این هدف وظیفه ی من معلم این است که ارزش های دینی و اخلاقی را در دانش آموزان درونی سازی کنم که وقتی نظارت های بیرونی برداشته شد طغیان نکند.

مثال: وقتی برق شهر میره دوربین مدار بسته از کار میفته فروشگاه رو غارت میکنند این یعنی طغیان یعنی درونی نشدن ارزش ها در یک شخص

مثال: رفتگری کیفی پیدا می کند پر از طلا، آنها را به صاحبش تحویل می دهد، این یعنی چه؟ یعنی ارزش ها در این فرد درونی شده است.

## ۳- گرایش به ایجاد و توسعه شایستگی های متربیبان برای یادگیری مادام العمر

## ۴- گرایش به ایجاد و توسعه ی الگوی مصرف مبتنی بر نظام معیار اسلامی

مثال: فرد می گوید دمای استخر منزل شخصی ام می خواهم فلان مقدار باشد. پول گزش را هم می دهم، اما الگوی مصرف مبتنی بر نظام اسلامی می گوید درست است پولداری اما نعمت خدا نباید اسراف شود، پس با توجه به این هدف دانش آموز باید الگوی مصرف صحیح را یاد بگیرد.

مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

## ۵- رفع موانع بین مراحل تربیت رسمی و عمومی و ساحت های تربیت و بین نظام تربیت رسمی و عمومی و نیاز های جامعه و بین مدرسه و جامعه

گاهی بین فضای تربیتی و فرهنگی مدرسه و این فضا در جامعه تفاوت هایی وجود دارد. مدرسه باید پویا باشد. شبهات اقتصادی وجود دارد. این شبهات را باید مدرسه پوشش دهد و این شبهات را برطرف کند. در واقع مانع زدایی انجام دهد.

## ۸-۴ اصول ساحت تربیتی اقتصادی و حرفه ای

در تربیت اقتصادی و حرفه ای چه ضوابط کلی و فرمول های کلان و قواعد عامی وجود دارد که معلم باید حواسش باشد؟

برای رسیدن به اهداف تربیتی راه های متعددی وجود دارد که مرز خیلی باریکی دارد و چیزی که باعث می شود این مرزها خطرناک نشود اصول تربیت است.

• اصول ساحت تربیتی، اقتصادی و حرفه ای

۱- انعطاف پذیری (هم در ساختار نظام تربیتی رسمی و عمومی با ساختار اقتصادی کشور و هم در برنامه درسی از طریق هماهنگی آن با ایجاد شایستگی های جدید در متربیان و بروز رسانی مستمر آن)

• آیا در خود اصول تربیت انعطاف داریم؟ خیر. اصول قابل انعطاف نیستند چون خطوط قرمز است. اما خود انعطاف پذیری یک خط قرمز است. یعنی چه؟ یعنی یک باید کلی است.

مثال: در دهه ۷۰-۶۰ نیروی کار و جمعیت جوان کشور و دوران پس از جنگ کشور نیاز به سازندگی و آبادانی دوباره داشت و دانش آموزان باید برای این کار تربیت می شدند لذا طرح کاد وارد مدارس آن زمان شد و با

مهارت آموزی حین تحصیل همراه شد. *توسط جمعی از مهارت آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی*

• انعطاف پذیری کلان در تربیت اقتصادی و حرفه ای لازم است. چرا؟ چون تربیت اقتصادی و مبتنی بر آن تربیت شغلی و حرفه ای می خواهد که به جامعه خدمت برساند.

انعطاف در برنامه درسی. مثال: خرید و فروش مجازی و معاملات الکترونیکی خیلی شایع شده. خوب آموزش و پرورش اینهارا در برنامه درسی جا بدهد و مهارت استفاده صحیح و سالم را به دانش آموزان یاد بدهد.

۲- تاکید بر تربیت مستمر و مداوم (تربیتی که متریبان شایستگی های لازم را با خودآموزی مستمر و بروز سازی توانمندی های خود به دست آورند)

- اقتصاد و امر معاش یک چیز مداوم است پس تربیت اقتصادی نیز باید مداوم و مستمر باشد.
- توانایی های اقتصادی هر شخص باید بروز رسانی شود. چرا؟ چون حوزه اقتصاد یک حوزه شناور و پویا است.

۳- توجه به کارآفرینی (برنامه های درسی باید تا حد امکان بتواند متریبانی را کارآفرین و توانمند تربیت کند به نحوی که راه های آشنایی و پاسخگویی به نیازهای متنوع جامعه و بازار کار را فراگیرند و بتوانند برای خود و دیگران کار تولید بکنند.  
کارآفرینی یک اصل است. چرا؟ چون کارآفرین در منطق اسلام و تربیت اقتصادی اسلامی کار و تولید ارزش مهمی دارد بنابراین کارآفرینی نیز ارزش دارد.

### بخش ششم

#### ادامه اصول ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

۴- توجه به تفاوت های فردی و تنوع علایق و استعداد های متریبان در تولید برنامه های درسی و روشهای تربیتی

تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان  
مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی

- در تربیت اقتصادی مربی و معلم چه در سطح برنامه ریز و چه در سطح معلم باید حواسش به تفاوت های فردی باشد. چرا؟ چون تربیت شغلی و حرفه ای و انتخاب آگاهانه ای که مبتنی بر علایق و استعدادها و داشته های درونی نباشد پایدار نخواهد بود. چرا؟ چون یکی از معیارهای انتخاب، شوق و علاقه است.

۵- توجه به کسب شایستگی های عام پیش نیاز رشد حرفه ای و اقتصادی

- در اصول های قبلی تکرار یکسری شایستگی ها و قابلیت ها به دانش آموزان آموزش داده شود. شایستگی هایی که متناسب با فعالیت های اقتصادی و مالی و حرفه ایست. اما خود حرفه ای بودن و کنش گری

اقتصادی سالم پیش نیاز هایی دارد که ما باید به آنها توجه کنیم که در این هدف شایستگی های عام نام گرفته.

مثلا یکی از آنها که سند تحول روی آن تاکید دارد اخلاق اقتصادی و حرفه ای است. حرفه ای گری نمیتواند بریده از اخلاق حرفه ای باشد یعنی با نظام ارزشی اسلامی سازگار نیست.

مثال: ما قرار نیست کشاورز ماهر تربیت کنیم. این آدم باید برود زیر نظر آموزش عالی کشاورزی یاد بگیرد. ما در آموزش و پرورش میخواهیم به او اخلاق حرفه ای یاد بدهیم. اخلاق در کشاورزی را یاد بدهیم.

۶- تاکید بر کسب شایستگی های اخلاقی در بهره گیری از طبیعت در چارچوب نظام معیار اسلامی

• تاکید بر اصول قبلی فعالیت اقتصادی و مالی و حرفه ای در تفکر اسلامی و تربیت اسلامی بریده از اخلاق نیست

۷- کسب شایستگی های مناسب در متریبان به منظور حل مسائل فردی و گروهی آن ها در ارتباط با خانواده، جامعه و محیط کار

• مهارت شناخت معضلات و گره های اقتصادی خود و دیگران را ما باید به دانش آموزان یاد بدهیم.

۸- استفاده مطلوب از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تربیت اقتصادی و حرفه ای

دنیای پیش رو دنیای ارتباطات و فناوریست و حتما باید بر آن اهتمام داشته باشیم.

### جلسه نهم

نکته: مطالبی که داخل پرانتز آمده توضیحات استاد است.

ساحت تربیت علمی و فناوری:

۱-۹- معنا و قلمرو ساحت تربیت علمی و فناوری

(با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی نمی توان علم و فناوری را نادیده گرفت، در تربیت دینی اسلامی هم به این نوع تربیت پرداخته شده است)

• این ساحت ناظر به کسب شایستگی ها (صفات، توانمندی ها و مهارتهایی) است که متریبان را در شناخت و بهره گیری و توسعه تجارب بشری در زمینه علم و فناوری یاری کند تا قادر شوند با عنایت به تحولات آینده نسبت به جهان هستی (نگاه آیه ای به هستی) و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت (نگاه ابزاری) بینشی ارزشمدار کسب نمایند. ---توضیح: در تربیت علمی و فناوری قرار است متریبی علم و فناوری روز را بشناسد، بکار گیرد و خودش نقش افرین باشد و مهندسی معکوس کند مثلا پهپاد ARC را بسازد و تولید کند. هدف از این



شناخت: تربیت علمی و فناوری باید مبتنی بر آینده نگاری ها و آینده شناسی ها باشد تا آینده های دور دست نزدیک به خود را پیش بینی کند و مبتنی بر آن دانش آموزان را برای ان آینده محتمل آشنا و آماده کند. و نسبت به هستی و استفاده و تصرف مسئولانه آماده کند و شایستگی را در آنها ایجاد کند. منظور از نگاه آیه ای به هستی: در منطق قران کریم و تربیت اسلامی هستی چون آینه است و هستی نشانه و آیت خداست و باید به آن نگاه مسئولانه داشت. علوم تجربی قرار است آینه تمام نما باشد برخلاف نگاه پوزیتوستی که کاملا حس گرایانه و کاملا رادیکال و تجربه گرایانه است می گوید: هر چه در طول تجربه ما قرار گیرد آن علم و معرفت است که البته در معرفت شناسی متاخر ابطال شده است، اما در تربیت دینی علوم تجربی قرار است کشف آیات الهی بکند (نگاه ابزاری: علم ابزاری برای کشف آیات الهی) وقتی ما به کوه، جنگل، آسمان، نوترون و پروتون و... نگاه آیی داشته باشیم نگاه ما مسئولانه خواهد بود آن وقت نمی خواهیم با شکافتن یک اتم هیروشیما را به آتش بکشیم و موارد دیگر.

## ۲-۹ قلمرو این ساحت:

### ۱- فهم دانش های پایه و عمومی

۲- کسب مهارت و روحیه دانش افزایی (متربی با گرفتن مهارت بتواند دانش خود را بروز کند)

۳- بکارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی (از خرافه، تقلید، الگوبرداری و... خلاص شود و هر چیزی را زود نپذیرد)

۴- توان تفکر انتقادی (بتواند دانش جدید را ارزشگذاری کند)

۵- دانش، بینش و مهارت تفکر فناورانه پیدا کند با هدف بهبود کیفیت زندگی، در واقع تکنولوژی را به خدمت بگیرد. ( در مباحث فلسفه تکنولوژی دو دیدگاه دیده میشود:

۱- تکنولوژی به خدمت انسان دربیاید و در واقع طبیعت خادم انسان باشد و انسان از طبیعت بهره گیری کند یعنی: تصرف مسئولانه از طبیعت بکند نه بهره کشی، همانطور که خداوند در قران می فرماید: جهان را برای شما خلق کردیم تا در خدمت شما باشد به شرطی که شما خلیفه الهی بکنید و مسیّر انسانی و درست خود را پیش بگیرید بر اساس این دیدگاه تکنولوژی باید در خدمت همه ی انسان ها و در خدمت بشر باشد نه در خدمت عده ای معدودی در جهان، آنچه در سند تحول بنیادی و تربیت اسلامی آمده مبتنی بر این نظر است و مربیان مبتنی بر این نظر باید به تربیت فناورانه ی دانش آموزان بپردازند ۲- نظریه بعدی اینکه انسان به خدمت تکنولوژی باشد در این نگاه انسان مغلوب و مخدوم تکنولوژی است مثل همان چیزی که در فیلم های هالیوودی نمایش داده میشود که در آن ربات دست ساز علیه سازنده ی خودش قیام می کند واز کنترل سازنده خارج می شود).

## \*اهداف ساحت تربیت علمی و فناوری:

۱- شناخت و بهره گیری از نتایج تجارب متراکم بشری در حوزه علم و فناوری (درک دانشهای پایه و علوم کاربردی،

کسب مهارت دانش افزایی، کسب دانش، بینش و تفکر انتقادی در مواجهه با مسائل زندگی) بر اساس نظام معیار اسلامی. ( در اهداف این ساحت دانش آموز هم شناخت و آگاهی را باید کسب کند و هم باید بتواند از آن بهره بگیرد و هر دو مهم است اگر فقط به شناخت توجه شود یک آموزش پرورش حافظه محور، ذهن زده و انتزاعی و بریده از جامعه خواهیم داشت و اگر فقط به بهره گیری و عمل گرایی تاکید شود یک آموزش و پرورشی خواهیم داشت که یک نگاه کاملا پراگماتیستی و عمل گرا به فناوری دارد و انتظار دارد که دانش آموزان قبل از اینکه دانش های پایه ای را یاد بگیرند فناوری داشته باشند).

۲- بهره گیری و ارزیابی از یافته های علمی و فناوری و ایجاد خلاقیت و نوآوری در آنها جهت کشف صورتهای جدید واقعیت یا خلق روشها و ابزارهای نوین برای وصول به اهداف متعالی در چهارچوب نظام معیار اسلامی. ( منظور از بهره گیری یعنی اینکه: مرتبی بتواند بر اساس یافته های علمی جدید و فناوریهای اپلیکیشن جدید، ویروس جدید و... بشناسد و بتواند استفاده کند. کلمه ارزیابی: خروجی این ساحت و نتیجه مطلوب آن اینست که ۱- آخرین یافته های فناوری را بشناسد و بکار گیرد ۲- توان ارزشیابی و سنجش داشته باشد. قرار است آموزش و پرورش مبتنی بر خود باوری ملی و اسلامی که به دانش آموز عطا می کند به آن توان ارزشیابی بدهد بگونه ای که هر چیزی را نپذیرد بلکه آن را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد اگر نگاه ارزیابانه به فناوری داشته باشیم مقهور برتری تکنولوژی غرب مدرن نخواهیم شد البته در این سنجش و ارزیابی باید اخلاق فناوری و اخلاق پژوهش را رعایت کنیم مثلا وقتی یک دانشجو می تواند یک پروفیسور را مورد ارزیابی قرار دهد اما باید حد خودش را بداند، در این وزن کشی و ارزیابی می توان خلاقیت هم بدست آورد. منظور از اهداف متعالی یعنی: برای رفاه جامعه و مردم باشد که در اینصورت تکنولوژی در خدمت استعمار قرار نمی گیرد.

۳- برنامه ریزی و اجرای آگاهانه فعالیت های علمی و پژوهشی، برای دست یابی خود و جامعه به آینده مطلوب بر اساس نظام معیار اسلامی. ( مهارت دانش افزایی یعنی به دانش آموزان ماهی گیری یاد بدهیم و لذت کشف را به دانش آموزان بچشانیم برای این منظور باید: ۱- بستر فعالیتهای پژوهشی و تحقیقاتی را برای دانش آموزان فراهم کنیم ۲- روحیه حقیقت خواهی و حقیقت پژوهی را در او ایجاد کنیم و پژوهندگی را به دانش آموز منتقل کنیم.)  
۴- برقراری ارتباط سازنده طبیعت از طریق شناخت و استفاده از طبیعت با هدف تکریم، تسخیر، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در فعالیتهای علمی در سطح ملی و جهانی براساس نظام معیار اسلامی.  
۵- درک و کشف و تفسیر پدیده ها و رویدادهای طبیعی در جهت رمزگشایی و رمز گردانی از آنها به منزله مخلوقات و آیات الهی در پرتو نظام معیار اسلامی. ( هدف علم کشف اسرار و قوانین حاکم بر پدیده ها و تفسیر آن در تربیت اسلامی به منظور رمزگشایی و نگاه آیی به آن است و به منزله ای این که اینها مخلوق و آیه ی خداست تا از طریق آن به خالق برسیم و اگر چنین نگاهی نداشته باشیم به پوچ گرایی و خودکشی و... میرسیم چنانکه افراد زیادی به این مرحله رسیده اند).

۳-۹. رویکرد ساحت تربیت علمی و فناوری (رویکرد حاکم در تربیت علمی فناوری):

- مهمترین جهت گیری این ساحت، جهت گیری کل نگر و تلفیقی در چهارچوب نظام معیار اسلامی است برخی از مشخصه های آن عبارتند از:
- تلفیق نظر و عمل با توجه همزمان به تربیت نظری و عملی که در معنای وسیعتر ناظر به تلفیق علم و فناوری است. (حافظه نگر صرف و آزمایشگاهی و عمل گرای صفرهم نباشیم).
- تلفیق نگاه آیه ی و نگاه ابزاری و شناخت آن با همدیگر. (توجه به هر دو نگاه: نگاه آیه ای یعنی از یک منظر طبیعت نشانه ی خداست - نگاه ابزاری یعنی: همانطور که خداوند در قران فرموده طبیعت را برای شما ماسخر کرده ام یعنی طبیعت خادم و ابزار شماست (نگاه استخدامی به طبیعت)).
- تاکید بر هماهنگی علم و دین. (اسلام دین ستیز و دین گریز نیست و علم مخاف با دین نیست پس قرار نیست عالم بی دین پرورش دهیم مانند چیزی که علم مدرن می گوید)
- توجه متعادل و متوازن به رویکردهای پژوهشی کمی و کیفی.
- ملاحظه ی در هم تنیدگی مرزهای علوم و رشته های علمی که طی آن تلاش می شود متریبیان دیدگاه و نگرشی جامع نسبت به جهان هستی بیابند.
- توجه به ارزش مداری محتوا که این مساله عمدتاً ناظر به چرایی آموخته هاست نه صرفاً چيستی آنها از این رو شایستگی های کسب شده (یادگیری ها) باید مفید و سودمند باشد، یعنی در راستای غایت و هدف تربیت و همچنین متناسب با نیازها و مرتبط با زندگی یادگیرنده ها باشند و به آنها کمک کنند تا مستمراً به شناخت و عمل برای اصلاح و بهبود موقعیت خود و دیگران بپردازند.
- تلفیق مهارت ها، دانش ها و نگرش هایی علمی به ویژه تلفیق بین مهارتهای فرایندی در تربیت علمی و فناوری و بکارگیری مهارتهای مربوط به سواد اطلاعاتی و ارتباطی در جریان یادگیری محتوا به منزله روشی و ابزاری برای یاددهی و یادگیری عمیق تر و بهتر. (سواد اطلاعاتی: فناوری های بروز مثل It و Ict).

### اصول ساحت تربیت علمی و فناوری:

- توجه به درک متریبیان از جهان هستی از منظر ارتباط با خدا. (در آموزش هر درس (فیزیک، شیمی، ...) حواسمان باشد که داریم پازل های جهان بینی دانش آموز را ایجاد میکنیم و در تربیت علمی و فناوری عینک جهان بینی به دانش آموز می دهیم و در هردانش ارتباط انرا با خدا برای او بیان کنیم و عینک جهان بینی شکسته و ناقص به دانش آموز ندهیم و در نگرش اسلامی نمی توان جهان را بدون خدا تصور کرد)
- توجه متعادل و متوازن به عرصه های علوم نظری (انسانی، ریاضی و تجربی) و کاربردی و حوزه فناوری.
- ارتباط محتوای یادگیری با زندگی فردی و اجتماعی حال و آینده متریبیان. (در تربیت علمی فناوری نمی خواهیم مثلاً فیزیک آموزش داده شود برای اینکه آموزش داده شود و شعار علم برای علم داشته باشیم چون این یک نگرش نادرست است گرچه ممکن است یک معلم بخاطر تنبلی یا مسائل دیگر این کار را ممکن است انجام دهد

اما یک اصل برای برنامه ریزان و مربیان در آموزش اینست که: آنچه آموزش می دهند برای زندگی فردی و اجتماعی حال و آینده باید مفید و مرتبط باشد و اگر از زندگی واقعی فرد فاصله بگیرد بی خاصیت می شود و انتزاعیست.

● ارزش مداری و توسعه ارزشهای اخلاقی.

● رشد توانمندی های تفکر منطقی، خلاق، نقاد و حل مساله. (تمرکز در علم فناوری اینست که دنبال تفکر نقاد باشیم تا پرسشگری کند).

● زمینه سازی برای تولید علم از طریق تکوین و تعالی توانمندی ها و مهارت های عملی ( کمی و کیفی) متناسب با نیازها و زندگی متریان ( معلم بستر ساز است و باید بستر زمینه را آماده کند تا شخصیت و هویت فناورانه شکل بگیرد).

● توجه به چشم انداز آینده رشد و توسعه علم و فناوری در زندگی بشر. (وظیفه ی آموزش و پرورش : آینده بینی و آینده شناسی و ترسیم آینده های محتمل است چون آموزش و پرورش می خواهد نسلی را برای آینده ی محتمل پرورش دهد و تربیت کند و در حوزه ی علم و فناوری هم باید روحیه ی گشودگی را برای متربی ایجاد کند البته گشودگی با تفکر نقاد و سنجش گر.

### جلسه دهم

نظام تعلیم و تربیت شامل سه بخش است

۱- فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی

۲- فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

تهیه شده توسط جمعی از مهارت آموزان

۳- رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

دو کلید واژه در این بحث وجود دارد :

**الف) فلسفه تربیت :** که این فلسفه از سنخ فلسفه های مضاف است . ( ما یک تربیت داریم یعنی عمل تربیتی . و یک واقعیت تربیت داریم ) .

**ب) آموزش و پرورش ؛ تعلیم و تربیت** - که به جای این دو کلمه از تک واژه « تربیت » استفاده می کنیم . پس تک واژه تربیت : معادل تعلیم و تربیت و معادل آموزش و پرورش است .

اصطلاح بعدی « تربیت رسمی و عمومی » گفتیم که تربیت رسمی یعنی : فرمان است و عمومی و همه گیر است . یعنی همگان محافظ آن و مخاطبش هستند . و طبق قانون اساسی باید در بعضی مقاطع رایگان و اجباری باشد ( مقطع ابتدایی تا دبیرستان ) پس تربیت رسمی و عمومی در واقع همان مدرسه است .  
ما مبانی نظری داریم که ۴۰۰ یا ۵۰۰ صفحه است . مبانی نظری خودش سه بخش مهم دارد .

**بخش اول : فلسفه تربیت** - هرگونه تربیت در جمهوری اسلامی ایران چه در فضای مسجد ، خانواده ، صدا و سیما ، مدرسه ، آموزشگاههای کنکور ، یا در فضای آموزشگاههای نجاری رخ می دهد . فلسفه تربیتی و آموزشی این گونه باید باشد و تبیین در اینجا صورت گیرد .

**بخش دوم : فلسفه مدرسه** : فلسفه تربیت رسمی و عمومی که یکی از مصادیق تربیت رسمی و عمومی واز بارزترین مصادیق آن مدرسه است .

**بخش سوم : رهنامه** . یعنی استنتاجی است . به این صورت که بخش دوم از بخش اول استنتاج شده است و سومی رهنامه از درون بخش دوم استنتاج شده است .

که این سه بخش به عنوان مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران است . که جزوه سند تحول از این مبانی استخراج شده است . که شامل مباحث زیر است .  
بیانیه ارزشها - بیانیه مامورین - چشم انداز هدف های کلان - راهبردی کلان و هدف های عملیاتی و راهکارها می باشد . که این سند تحول براساس مبانی نظری و البته سیاستهای کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش طراحی شده است . وهدف گذاری آن برای سال ۱۴۰۴ می باشد و چشم انداز آن سال ۱۴۰۴ است و این درس می خواهد ما را با این سند و ادبیات آشنا کند .

نکته بعدی : عنوان درس ساحت‌های ۶ گانه بود و گفتیم که ساحت های شش گانه بر اساس ابعاد انسان است . و این ابعاد شامل ساحت‌های زیر می باشد .  
*لهیه شده نوشته جمعی از مهارت آموزان*  
*مربی امور تربیتی با مدیریت آقای امسانی*

**ساحت اعتقادی ، عبادی اخلاقی - اجتماعی سیاسی - زیبا شناختی و هنری - زیستی ، علمی فناوری**  
، - **اقتصادی و حرفه ای است** . که این شش ساحت قبلاً توضیح داده شد . بین این ساحتها ارتباط و تعامل وجود دارد. و در واقع ساحت تربیت علمی و فناوریانه، از ساحت تربیت اعتقادی ، عبادی ، اخلاقی جدا نیست . مثلاً در تربیت علمی باید اخلاق علمی و فناوری را به دانش آموز منتقل کنید. جهان بینی علمی و جهان بینی فناوری و فلسفه تکنولوژی و فناوری را به دانش آموزان منتقل کنیم. و در واقع بین این ساحت ها در هم آمیختگی وجود دارد بطوری که مرز بین ساحت ها به درستی روشن نیست .

اما در مقام فلسفه ورزی و در مقام گفتگوی علمی ما این ساحت ها را از هم جدا می دانیم . و هر جلسه را به ساحتی اختصاص می دهیم .

نکته بعدی این است که در ساحت های شش گانه یک سری شایستگی های پایه وجود دارد . که در جلسه دوم توضیح دادیم که از منظر فلسفه عمل ، عمل انسان چه لایه هایی دارد .

**عمل اختیاری انسان لایه مند است . یعنی لایه لایه دارد . که لایه اول : تفکر و تعقل انسان – لایه دوم : ایمان و باور انسان – لایه سوم : علم و معرفت و آگاهی اخلاقی عقل است .**

شایستگی های پایه : این شایستگی ها می توانند در ساحتها کنش گری کنند .

انسان : انسان در مقام عمل ورزی و در مقام اخلاق ورزی و در مقام عمل و رفتار خودش در ۶ ساحت ( اعتقادی – عبادی – اخلاقی – سیاست – زیستی بدنی – زیبا شناختی و هنری – اقتصاد حرفه ای عملی و فناوریانه کنش گری کنند . )

پس تا کنون این تقسیم بندی را داشتیم . ۱- شایستگی های پایه انسان ( یعنی لایه مندی افعال اختیاری انسان را شرح می دهد . ) مانند سه تا دایره متحد المركز است که دایره بعدی عرصه ها و ساحت های کنش گری انسان هست . و شکل سوم و نمودار هم که در جلسات پیشین برای شما توضیح دادیم . این بود که انسان در ارتباط با دیگری دست کم با کنش گری می تواند برای خود ، طرف مقابلی داشته باشد . و طرف مقابلش دست کم می تواند چهار جهت : خود ، طبیعت ، خدا ؛ همونوع دیگران داشته باشد .

**بنابراین انسان میننی بر شایستگی ها و لایه مندی اعمال خودش ، در یکی از ساحت ها کنش گری داشته باشد .**

یعنی می تواند ناظر به خودش و طبیعت و هم نوع و خدای متعال کنش گری داشته باشد . این شکل کل درس ما را پوشش می دهد . به این ترتیب که می خواهد بگوید سند تحول و البته برنامه درسی ملی ، که مبتنی بر یکی از زیر نظام های سند تحول است . ( و در واقع کنش گری انسان را که باعث سامان دهی تربیت رفتار مطلوب می شود ) در جهت ارتباط با خود و دیگران و طبیعت و خدا را ترسیم کند .

زیرا ارتباط انسان مجموع فرآیند اعمال کنش انسان است . که قرار است در آموزش و پرورش جهت دهی شود . و به هدف برسد . و آن عمل جهت متعالی بخشیده شود . مثلاً می تواند در قبال طبیعت باشد . زیرا ما در قبال طبیعت یکسری اعتقادات باید داشته باشیم . مثلاً از منظر زیبا شناختی به طبیعت نگاه کنیم یا از منظر زمینی ،

یا علمی فناوری یا اقتصادی و حرفه ای به طبیعت نگاه کنیم. همین مثال را می توان در سایر ساحتها داشته باشیم

نکته مهم . تربیت در فلسفه تربیت جمهوری اسلامی که در سند تحول بیان شده است . که برجستگی های آن را با هم مرور کردیم و در واقع اطلاعات جامعی از آن نداریم . تا بتوانیم ایده های تربیتی فلسفی خود را شکل بدهیم. هر معلمی قاعدتا یک فلسفه تربیت شخصی برای خود دارد . که مبتنی بر تجربه تربیتی دانش آموز خودش و بر دانش و تخصص خود ، و بر فرهنگ حاکم سرزمینش باشد . که این فلسفه ها خود آگاه هستند پس هر انسان یک فلسفه تربیتی خود آگاه دارد .

در رهنامه ای که قبلا گفته شد مبنای نظری شامل سه بخش فلسفه تربیت . تربیت جمهوری اسلامی . رهنامه رهنامه : کار رهنامه این است که در عرصه عمل تربیت و سیاست گذاری تربیت نزدیک می شود . یعنی از آن حرفهای انتزاعی و کلی بسیار عام که در حوزه فلسفه تربیت و فلسفه رسمی و عمومی هست . فاصله می گیرد . و اندکی به عرصه عمل تربیت نزدیک می شود . از این منظر بخشی از اهداف مشترک نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران در رهنامه است . که برای شما باز گو می کنم .

در راستای تحقق غایت و هدف کلی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران ( دستیابی سه مرتبه ای از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد ) و مجموعه ای از شایستگی های اساسی به عنوان اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی تعریف می شود . که شامل دو دسته : اهداف مشترک – اهداف ویژه . می باشد با توجه به هدف کلی تربیت در جامعه اسلامی که در تکوین و تعالی پیوسته متریبان به گونه ای است که بتواند موفقیت خود و دیگران را به درستی درک و آن را به طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح کند .

حیات طیبه کلید واژه قرآنی است . که هر کس عمل صالح داشته باشد چه زن چه مرد ، در مسیر دستورات الهی قرار می گیرد . و خداوند یک حیات طیبه و پاکی در دنیا و آخرت به او می دهد . و در واقع یک سبک زندگی پاک ( ایمان و عمل صالح ) به ارمغان خواهد آورد .

به تعبیر دقیقتر هدف مجموع احکام و دستورات اسلامی و هدف تربیت اسلامی این است که نتیجه این دستورات یک زندگی پاک دنیوی و اخروی باشد . و غایت این است که همین این دنیا و هم آخرت زندگی خوبی خواهد داشت

## منظور از حیات طیبه در این نگرش : یعنی زندگی توحید محور و خدا محور ، معاش محور ، عقل محور که حقوق انسان در آن رعایت شده آزادی انسان تأمین شده باشد .

آمادگی برای تحقق حیات طیبه : تربیت رسمی مدرسه ای ، می خواهد آمادگی برای تحقق حیات طیبه ایجاد کند .

حیات طیبه یعنی وضع مطلوب را خود انسان باید رقم بزند اما یک سری آمادگی ها وشایستگی ها را مدرسه به انسان می دهد . تا بتواند برای زندگی متعادل ومتوازن ، پاک وپاکیزه مبتنی بر آن شایستگی ها تجهیز شده اند . ودر کوله بار دانش آموز این شایستگی ها گذاشته شود . و زندگی خانوادگی خوب ، زندگی اجتماعی خوب ، زندگی محله ای خوب داشته باشد .

کلمه مرتبه به چه معناست ؟ مرتبه یعنی چه ؟ چرا گفته شده مرتبه ؟ به خاطر اینکه به اصطلاح در ادبیات تخصصی حیات طیبه مقوله تشکیک است یعنی دارای مراتب است . یعنی درجه ؛ به تعبیر دقیقتر دارای درجه بندی است .

مثلا واژه درد ؛ مفهوم درد یا حقیقت درد درجه دارد . مثلا کسی که یک نفر از خانواده اش را از دست داده با کسی که چند نفر از خانواده اش را از دست داده از لحاظ درد وناراحتی با هم تفاوت دارند یعنی درجات درد وناراحتی آنها با هم یکی نیست . پس درد تشکیکی است یعنی درجه بندی دارد . خوبیها وزبیایی ها هم درجه بندی دارند . پس حیات طیبه هم درجه بندی دارد .

حیات طیبه زندگی آرمانی وایده آلی است که انسان باید آرامش روانی وروحي کامل را در اتصال به خداوند در کنش گری با جامعه وایفای تکالیف ومسئولیت های اجتماعی ، اقتصادی وسیاسی ، حرفه ای به دست آورد . کیفیت زندگی ( حیات طیبه ) متفاوت است ودارای مراتب مختلف می باشد . بنابراین دستیابی به هر کدام از مراتب بر اساس میزان استعداد ها ، وتلاش ها نیازها وکنش گری ها وانتخاب های انسان صورت می گیرد . وانسان به اهداف حیات طیبه می رسد .

پس به این علت کلمه « مرتبه » را به کار برده است . زیرا حیات طیبه وزندگی قرآنی ومطلوب اسلام ، دستیابی به اهداف متعالی را در افراد متفاوت می داند . مثلا برخی ۱۰٪ اهداف حیات طیبه ، برخی ۲۰٪ را به دست می آورند . زیرا در این راه موانعی وجود دارد . ودستیابی افراد به حیات طیبه بستگی به میزان موانع و هنر وتلاشی که در رفع موانع به کار می رود . دارد .



بنابراین کلمه « مرتبه » را به این دلیل به کار برده است . که بگویند میزان وصول به این اهداف درجه درجه دارد . و هر کس براساس شایستگی ها و توانایی ها و تصمیمات و گزینش های درستی که در زندگی انجام می دهد. می تواند به آن سطح از آسودگی ، رفاه ... برسد .

تکوین یعنی چه ؟ یعنی تعالی ایجاد کردن

تعالی با تکوین چه فرقی دارد ؟ تکوین یعنی موجودی که اصلا وجود نداشت و بوجود آمد ( نبود و بعد بوجود آمد) تعالی : یعنی چیزی وجود داشت اما بعدا بهتر شد ، رشد داده شد . درجه ی بالاتری پیدا کرد .

حالا پیوسته: این تکوین و تعالی باید پیوسته و مستمر باشد و ادامه دار و دنباله دار باشد یکدفعه و فشرده و با تزریق یک آمپول به یک کلاس فشرده، شدنی نیست. تربیت فرآیندی پیوسته و ادامه دار هست. حالا تکوین و تعالی چیه؟

این کلمه، کلمه خیلی مهمی است. هویت: بر روی هویت انگشت گذاشته، هویت متربی باید ایجاد و تعالی پیدا کنه. حالا هویت شکل گرفته. هویت متربی یک هویت ایرانی، اسلامی، عقلانی و زیباشناختی شکل گرفته و رشد یافته که بتواند متربی موقعیت خود و دیگران را درک بکند. کلمه موقعیت شد یک کلیدواژه: موقعیت: یک اصطلاح خاصی است؛ مثال شطرنج رو ببینید: زندگی صفحه شطرنج است؛ هر خانه از شطرنج اقتضای خاصی دارد. حرکت هر مهره در هر خانه صفحه شطرنج قواعدی دارد. بنابراین برای هر مهره و هر خانه نمی توانید دستورالعمل کلی و رشد یابنده و پیشرو ارائه کنی؛ چرا که قواعد دستورات کلی برای بازی شطرنج وجود دارد. اینکه دانش آموز، متربی و انسان، درکی از موقعیت خود در پهنه هستی و اجتماع داشته باشد مورد تأکید است. درک درستی از موقعیت خود داشته باشد. ما کجای عالم قرار داریم؟ آیا همه عالم مبتنی بر من است؟ یعنی من همه کاره عالم هستم؟ اگر عظمت هستی رو ببینید دیگر سرکشی نمی کنید. بین در بین کهکشان راه شیری که یکی از چندین کهکشان عالم در آسمان هاست دیگر جای غرور باقی نخواهد موند برای انسان نسبت به خود؛ دیگران رو هم درک کنه. اگر موقعیت میزان نیست آن را اصلاح کند با عمل صالح فردی خود و جامعه، عمل صالح هم تعبیر قرآنی است مبتنی بر نظام معیار اسلامی.

### بخش سوم

هدف کلی مشترک نظام تربیت رسمی و عمومی بر اساس رهنامه

- **دیندار** (مومن به باورهای اسلامی ناب، علاقه مند به ارزش های اصیل و عامل به دستورات و احکام اسلامی)

- **مودب و متخلق به ادب و اخلاق انسانی و اسلامی:** اخلاق صرف هم کافی نیست اخلاق اسلامی همان اخلاق انسانی است و یه کمی بیشتر است.
- **حقیقت جو، خرد ورز و پرسشگر:** انتظار بر این است که آدمی با این ویژگی ها به جامعه تحویل بدهیم. روحیه حقیقت جویی بچه ها رو رشد بدهیم. اجازه بدیم حقیقت جویی کنه، اجازه بدیم پرسشگری کنه، اجازه بدیم خردورزی کنه، نقد کنه، پیشنهاد بده، خلاقیت به خرج بده.
- **انتخاب گر و آزادمنش باشه:** خروجی آموزش و پرورش ما، شاگردهای ما باید با تلاش به این سمت پیش برند. آزادگر و انتخاب گر باشند. آزادی یکی از حقایق هستی است. یکی از نعمت هایی که خدا به انسان داده، این کنم یا آن کنم خودش یعنی آزادی خودشان. اختیار است ای صنم، این روحیه آزادمنش و کنش انتخاب گری رو باید پرورش دهیم. توجه داشته باشید از دل انتخاب گری مسئولیت بیرون میاد. انسان ها مسئولیت دارند چون قدرت انتخاب دارند.
- **حق محور و مسئولیت پذیر نسبت به خود، خدا و جامعه و طبیعت:** اگر شما نسبت به پدیده ها حق داری پس تکلیف هم داری. همیشه در این بحث دقت کنید حق و تکلیف متضایف هستن؛ یعنی دو روی یک سکه هستند شما نمی توانید بگویید که من فقط حق دارم، تکلیف هم دارید نسبت به جامعه؛ و این حرف غلطی است که فقط از حقوق زن سخن بگیم، از حقوق کودکان سخن بگیم. اگر همه حق دارند پس کی مسئولیت دارد؟ یک شاه کلید تو این بحثه: حق و تکلیف همیشه دو روی یک سکه اند؛ هر جا حقی هست تکلیف هم هست.
- **عدالت ورز، ظلم ستیز، مهربان و صلح جو:** جایی که حق عده ای خورده می شود اسمش می شود ظلم، مقابلش اعطی کل ذی حق حقه. میشه تعریف عدالت، حق هر کس را به حق دار بدهید می شود عدالت. انتظار بر این است خروجی آموزش و پرورش عدالت جو باشد. از طریق ظلم همیشه به عدالت برسی. در میان عدالت جویی و ظلم ستیزی که در عین حال مهربان و صلح جوست، نمونه باشد. خروجی این مکتب به تعبیر رهبری معظم، مکتب حسینی آقای سردار سلیمانی بود. در اوج مبارزه و اوج محاصره ۳۶۰ درجه میرفت تو دل داعش. اما همان وسط اگر با یک پسر یتیم روبرو می شد دست نوازش می کشید. یادداشت میداشت تو خونه یک سوری یا داعش، من از خونه شما استفاده کردم من را حلال کنید. این نکات صلح جویانه است.

انسانی که محصول این آموزش و پرورش است، انسانی است که در عین حال ظلم ستیز و در عین حال صلح جو و مهربان است.

### بخش چهارم:

- **سالم و با نشاط:** انسان سالم و با نشاط یعنی سلامت جسمی و هم سلامت روانی و معنوی همیشه با نشاط
- **قانون گرا، منضبط و نظم پذیر:** هدف مشترک بعدی این است که در تربیت مدرسه ای مجموع فرآیندهای ما به این منتهی شود انسان. خروجی متری یا دانش آموز، دانش آموزی باشد که قانون گرا، منضبط و نظم پذیر باشد. تفاوت هایی هم با هم دارند. انضباط یک جایی در قانون تصریح شده. آگه قانونی هم نباشه اما خود نظم چیز خوبی است اما یه جایی خود نظم در قانون مصوب شده و به صورت قانون بوجود آمده.

- **امیدوار نسبت به آینده و منتظر برپایی عدل جهانی (جامعه مهدوی)**

آموزش و پرورش باید پیشران مدرسه باشد، پیشران باید امید را زنده کند، اشاعه تاریکی، ناامیدی و یأس در جامعه نباشد. درست است که مدرسه یک نهاد از نهادهای اجتماع است، اما اگر نهاد اقتصاد بلنگد، اگر نهاد فرهنگ بلنگد، تأثیر بی شماری بر مدرسه دارد.

اما بنا نیست مدرسه در این جبهه عقب بکشد مدرسه قرار است دست کم بنابر این ترسیم اهداف، هدف گذار باشد. متولیان مدرسه باید خودشان امیدوار باشند نسبت به تغییر در جامعه، به تعبیر امام، ما مأمور به وظیفه ایم، نه مأمور به نتیجه. ما باید به تکلیفمون عمل کنیم. مدرسه محل امید، امید به آینده های بهتر، امید به تغییر اساسی تربیت. تربیت یعنی تغییر. لذا هدف مشترک در تربیت رسمی و عمومی این است که ما انسان امیدوار نسبت به آینده پرورش دهیم که نسبت به ایجاد تغییرات، رسیدن به آرزوها و آمال درست خودش در زندگی فردی و اجتماعی امیدوار باشد. (دانش آموز شکست خورده و غمگین و ناامید به آینده نباشه و اینطور نباشه که اصلاً آرزویی برای آینده نداشته باشه). البته منتظر برپایی عدل جهانی باشد. یکی از آرزوها و امیدها و آرمانهای حکومت عدل جهانی و جامعه مهدوی، ظهور حضرت حجت (عج) است. بند دوم نگاه شیعه است، البته صرفاً انتظار موعود اختصاص به شیعه ندارد اما حضرت مهدی (عج) اختصاص به شیعه دارد.

- **خودباوری، دارای عزت نفس، مصمم و با اراده:** خروجی این آموزش و پرورش آدم خود باور است، عزت نفس دارد، مصمم و با اراده است. با ارادگی یک شخص در خودباوری اش نهفته است. چون به

خودش و داشته ها و دانسته هایش و مدیریت داشته ها و دانسته هایش باور دارد؛ چون باور دارد و خودش رو ساخته عزت داره، چون عزت داره اراده داره و پا فشاری بر اهداف خودش و تصمیمات خودش. بنابراین یادمون نره از دل تربیت عاطفی، از دل تربیت اعتقادی، از دل تربیت اجتماعی و سیاسی و از دل تربیت فناوریانه ساحت های ۶ گانه باید انسانی با این ویژگی، انسان خودباور و با عزت نفس و با اراده ترسیم کنیم. هدف این است از دل این ساحت های ۶ گانه.

این ۶ تا کانال نباید بریده از هم باشند. ۶ کانال باید خروجی شان انسان خودباور باشد. در حوزه زیستی، فناوریانه باید خودباور باشد. در حوزه اجتماعی-سیاسی خودباور باشد. در حوزه اعتقادی باید خودباور باشد. در حوزه اقتصادی، شغلی، حرفه ای باید خودباور باشد. این نگاه تلفیقی و با هم نگری، منظور این است.

- **پاکدامن، با حیا، امین، بصیر و حق شناس. هدف مشترک در تربیت رسمی و عمومی:** مرزهای حیا و عفاف رو رعایت کند، پاکدامن باشد، امین باشد؛ یکی از صفات پیامبر ما (ص) امین بود. بصیر و حق شناس باشد. بصیر و بصیرت یعنی عمق و نفوذ دیدگاه. دیدگاه های عمیق در تحلیل مسائل سیاسی و اقتصادی کلان جامعه و بصیرت باید همراه با حق شناسی و حق مداری باشد.

- **وطن دوست و استقلال طلب:** وطن دوست باشد. این دوگانگی اسلام و ایران باطل است که گاهی اوقات در فضای مجازی در مورد آن صحبت می شود. بین ایران و اسلام دعوی وجود ندارد؛ شعار "یا ایرانی ملی باش یا اسلامی" غلط است، اینها رویکردهای جناحی یا سیاسی است که واردش می شوند. انسان عرق به وطن دارد، کشش به خاک دارد، موطنش برایش مهمه و رویکردهای رادیکال و افراطی گرای غلط، (این جدایی رو ترویج می کنند). اسلام و ایران همزاد همدیگه بودند وقتی که اسلام به ایران پا نهاد این همزادی و هم آغوشی شکل گرفت. بنابراین، خروجی، انتظار بر این است که وطن دوست باشد و چون وطن دوست است، استقلال طلب باشد. اقتضای وطن دوستی اینه که شما جزیره بحرین رو به عنوان عروسی که شوهر داده شده بدهید به عربها؛ جزیره بحرین یکی از استان های ایران بود.

استقلال طلبی اقتضای درونی و ذاتی وطن دوستی است. کسی که وطن دوسته باید استقلال طلب باشه و دنبال این باشه با دست بیگانه، با یک ایمیل و یک پیام سفیر فلان جا کابینه ما تغییر نکند. این می شود استقلال. اگر کسی شعار وطن دوستی می دهد باید استقلال رو در پی آن داشته باشد. خروجی مدرسه ما باید وطن دوست و در پی آن استقلال طلب باشد.

- **جهادگر، شجاع و ایثارگر:** در کارش جهاد داشته باشد. جهاد یعنی جهد، کوشش و تلاش. تلاشگر باشد. شجاعت با خلاقیت تناسب دارد و ایثارگر باشد.
- **مقتصد، خلاق و کارآفرین:** به عرصه اقتصادی و حرفه ای اشاره دارد. مقتصد یعنی میانه رو باشد. دخل و خرجش تنظیم شده باشد و فکر اقتصادی داشته باشد و روز به روز بر ثروت حلال خودش افزوده کند. در عینی که به انفاق و واجبات الهی هم توجه داشته باشد.
- **جمع گرا و جهانی اندیش:** اقتضای نگاه مهدوی
- **دارای ذائقه هنری و زیبایی شناختی**

و انتظار بر این است که خروجی آموزش و پرورش چنین شخصیتی داشته باشد.

#### بخش پنجم

مدرسه صالح: بستری برای تحقق تربیت رسمی و عمومی مطلوب

کلمه صالح از قرآن گرفته شده است. عمل صالح تکرار شده و عمل صالح؛ چون عمل صالح فقط فردی نیست؛ عمل صالح جمعی هم هست. جامعه هم میتونه و نهادهای اجتماعی هم میتونن صالح باشند و صلاح پیدا کنند. لذا کلمه صالح رو برای مدرسه از باب تبرک استفاده شده تا رنگ و بوی قرآنی پیدا کند؛ این سند تحوله.

آموزش و پرورش از مدرسه صالح برخوردار باشد، هدف گذاری سند تحول است و هدف اینکه مدرسه با یک محیطی با وصف صالح و عمل صالح پیوند بخورد.

مدرسه صالح: مدرسه فضای اجتماعی هدف مندی است که از طریق زنجیره ای از موقعیت ها، فرصت حرکت رشد یابنده و تعالی بخش را برای متربیان فراهم می سازد که در آن شایستگی های لازم برای درک و بهبود موقعیت خود و دیگران از طریق یادگیری های رسمی و غیررسمی کسب می شود. مدرسه صالح زمینه اجتماعی سامان یافته ای برای تحقق حیات طیبه است که امکان تجربه این نوع زندگانی را برای همه متربیان فراهم می آورد. به عبارت مختصر: محل تجربه حیات طیبه و آماده شدن متربیان برای تحقق مراتب آن در همه ابعاد ورود به «جامعه صالح».

#### خصوصیات مدرسه صالح:

- **ساده سازی:** ساده شدن تجربه ها و موقعیت ها (نه پیچیده و نه تصنعی)

- پالایش: زدودن برخی عوارض و نتایج ناخوشایند نامطلوب احتمالی از برخی تجربیات مدرسه (البته نه به معنای محیط قرنطینه ای و سترون، بلکه به معنای محیطی حمایت گر و امن و امنیت جسمانی و روانی)
- مدرسه محیط را قرنطینه نمی کند. تربیت قرنطینه، تربیت واکسن سازی و تربیت واکسینه سازی تربیت درستی است.
- متناسب سازی، رعایت تناسب شرایط رشدی متربیان در همه ابعاد مدرسه مانند مدیریت مربیان، فضا و تجهیزات.
- تعادل: مبتنی بر اصول همه جانبه نگری و یکپارچگی مدرسه صالح نسبت به جنبه های مختلف حیات انسانی متوازن است؛ برخلاف رویکرد رئالیستی صرف که بر توسعه بعد عقلانی و انتقال دانش بشری و ایجاد مهارت های پژوهشی تأکید می کند. (مدرسه آکادمیک و آزادی آکادمیک) و نیز برخلاف رویکرد ایدئالیستی که مدرسه را موظف به انتقال میراث فرهنگی به صورت برنامه ای و منظم و متوالی و متراکم می داند بلکه در مدرسه صالح نسبت عمل و شناخت دو سویه و متعادل است.
- انعطاف پذیری: بر مبنای اصل کثرت گرایی و اصل تفاوت های فردی، مدرسه باید از جمود و تصلب به دور باشد و تنوع مبتنی بر نیازهای متربیان باشد.
- حاکمیت رابطه احسان و عدالت بین مربیان و متربیان: عدالت حدود حق و تکلیف است اما احسان بیشتر از آن است. عدالت احسان در روابط مدرسه است.
- حاکمیت مشارکت و تعاون (در روابط درونی و روابط بیرون مدرسه با دیگر نهادها).

## منبع جزوات پودمان های

### ماده ۲۸

@tadriss99